



Designing the Islamic Capital Market within the Framework of The Islamic Economic System (Nature, Elements, Method of Discovery and Design)

Sayyed Abbas Mousavian*
Mohammad Tohidi**

Received: 16/10/2021

Accepted: 31/01/2022

Abstract

The Islamic capital market is one of the subsystems of the Islamic economic system and its essential difference with the conventional capital market is in the principles, goals, financing instruments, risk management instruments and financial institutions. In the Islamic capital market, all the components and pillars are designed within the framework of Islamic economic teachings. This article, which has an exploratory nature, seeks to introduce the fixed and changing components of the Islamic capital market in a descriptive-analytical method and to express the method of discovering and designing its components. Specifically, it answers the following questions: What are the principles and goals of the Islamic capital market and how are they discovered? How are the jurisprudential, legal and moral rulings of the Islamic capital market inferred? How are financing instruments, risk management instruments, institutions and organizations, and behavioral patterns of participants in the Islamic capital market designed?

According to the research findings the Islamic capital market is based on the fixed components of the Islamic economic system, which are discovered by *ijtihad* from the sources of *sharia* and Islamic view in this regard is constitutive. But the changing elements of the Islamic capital market are derived from human experience and knowledge, and the ratifying approach of Islam is evident in these cases. In other words, from among the human achieved knowledge and experience, only those elements are selected that are consistent with the fixed elements of the Islamic economic system or can be adapted by making corrections.

Keywords

Islamic Economic System; Islamic Capital Market; Fixed and Changing Components; Ijtihad; Ratification.

JEL Classification: G10, Z12.

* Professor of the Institute of Islamic Culture and Thought, Qom, Iran (Corresponding Author).
samosavian@yahoo.com

** Associate Professor, Faculty of Islamic Studies and Management, Tehran, Iran. tohidi@isu.ac.ir

طراحی بازار سرمایه اسلامی در چهارچوب نظام اقتصادی اسلام (ماهیت، عناصر، روش کشف و طراحی)

سیدعباس موسویان*

محمد توحیدی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۲۳

مقاله برای اصلاح به مدت ۲ روز نزد نویسندگان بوده است.

چکیده

بازار سرمایه اسلامی یکی از زیر نظام‌های نظام اقتصادی اسلام است و تفاوت ماهوی آن با بازار سرمایه متعارف در مبانی، اهداف، اصول، ابزارهای تأمین مالی، ابزارهای مدیریت ریسک و نهادهای مالی است که در بازار سرمایه اسلامی همه در چارچوب تعالیم اقتصادی اسلام طراحی می‌شوند. بازار سرمایه اسلامی محل معامله دارایی‌ها و اوراق بهاداری است که همه براساس شریعت طراحی شده‌اند و بازیگران اصلی این بازار اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی براساس مبانی، اهداف، احکام و اخلاق اقتصادی اسلام فعالیت می‌کنند. این مقاله که ماهیت اکتشافی دارد درصدد است به روش توصیفی-تحلیلی عناصر ثابت و متغیر بازار سرمایه اسلامی را معرفی و روش کشف و طراحی اجزای آن را بیان کند و به صورت مشخص این سؤال‌ها را پاسخ دهد که: مبانی و اهداف بازار سرمایه اسلامی کدام‌اند و به چه روشی کشف می‌شوند؟ احکام فقهی، حقوقی و اخلاقی بازار سرمایه اسلامی به چه روشی استنباط می‌گردند؟ ابزارهای تأمین مالی، ابزارهای مدیریت ریسک، نهادها و سازمان‌ها و الگوهای رفتاری مشارکت‌کنندگان بازار سرمایه اسلامی به چه روشی طراحی و شکل می‌گیرند؟ مطابق یافته‌های تحقیق؛ بازار سرمایه اسلامی بر پایه عناصر ثابت نظام اقتصادی اسلام بنیان نهاده می‌شود که به روش اجتهادی از منابع استنباط کشف می‌شوند و دیدگاه اسلام در این موارد تأسیسی است، اما عناصر متغیر بازار سرمایه اسلامی (قوانین و مقررات، قراردادهای، ابزارها و سازمان‌ها و نهادها)، از تجربه و دانش بشری به دست می‌آیند و موضع شریعت در این عناصر امضایی است به این بیان که از میان یافته‌های دانش و تجربه بشری تنها آن عناصری انتخاب می‌شوند که سازگار با عناصر ثابت نظام اقتصادی اسلام باشند یا با انجام اصلاحاتی بتوان سازگار کرد.

واژگان کلیدی

نظام اقتصادی اسلام؛ بازار سرمایه اسلامی؛ عناصر ثابت و متغیر؛ اجتهاد؛ امضا.

طبقه‌بندی JEL: G10, Z12

مقدمه

بررسی آموزه‌های اسلامی به‌عنوان دین جامع و کامل و آخرین دین آسمانی در عرصه‌های مختلف فردی و اجتماعی نشان می‌دهد که این آموزه‌ها در عین تنوع، از انسجام داخلی برخوردار بوده و به‌صورت هماهنگ به دنبال تحقق هدف «سعادت و کمال دنیوی و اخروی انسان‌ها» هستند که از این تعالیم هماهنگ به‌عنوان «نظام اسلامی» یاد می‌شود که حاوی زیرنظام‌های «بینشی»، «حقوقی»، «اخلاقی»، «اجتماعی»، «سیاسی»، «اقتصادی» و... است. در این میان نظام اقتصادی اسلام مجموعه‌ای از «مبانی بینشی و ارزشی»، «سنت‌های الهی»، «اهداف»، «احکام»، «اخلاق»، «دولت و بازارها»، «قوانین و مقررات و قراردادهای»، «سازمان‌ها و نهادها»، «ابزارها» و «الگوهای رفتاری» است که به‌صورت منسجم و هماهنگ می‌خواهند فعالیت‌های اقتصادی را در سطح فردی، اجتماعی و بین‌الملل ساماندهی نمایند، و انسان‌ها را از بُعد اقتصادی به رفاه دنیوی و کمال اخروی برسانند.

مطابق آموزه‌های دینی، «مبانی بینشی و ارزشی»، «سنت‌های الهی»، «اهداف»، «احکام» و «اخلاق»، به‌عنوان عناصر ثابت نظام اقتصادی اسلام از متون شریعت و به روش اجتهادی کشف می‌شوند و دیدگاه اسلام در این موارد تأسیسی است به این بیان که خود شریعت متصدی بیان این موارد است و ما وظیفه داریم آنها را به روش اجتهاد از منابع استنباط (قرآن، سنت، اجماع و عقل) کشف کنیم، عناصر بعدی یعنی؛ «دولت، بازارها»، «قوانین و مقررات و قراردادهای»، «سازمان‌ها و نهادها»، «ابزارها» و «الگوهای رفتاری» به‌عنوان عناصر متغیر نظام اقتصادی و بازار سرمایه اسلامی به روش‌های متداول علوم متعارف، از تجربه و دانش بشری به دست می‌آیند و موضع شریعت در این عناصر غالباً امضائی است به این بیان که از میان یافته‌های دانش بشری، عناصری به‌عنوان عناصر متغیر نظام اقتصادی و بازار سرمایه اسلامی پذیرفته می‌شوند که سازگار با عناصر ثابت باشند.

ساختار مقاله به‌این ترتیب است که بعد از مرور پیشینه تحقیق ابتدا تعریفی از نظام، نظام اقتصادی و نظام اقتصادی اسلام ارائه می‌گردد سپس شواهد نظری و تمدنی دیدگاه مختار از تعریف نظام اقتصادی اسلام ارائه می‌شود، آنگاه عناصر ثابت و متغیر نظام اقتصادی و بازار سرمایه اسلامی و روش کشف و طراحی آنها تبیین می‌گردد.

۱. پیشینه پژوهش

پیرامون نظام اقتصادی اسلام آثار متعددی تألیف شده است، اما آثاری که حاوی عناصر ثابت و متغیر و روش استخراج عناصر ثابت و طراحی عناصر متغیر نظام اقتصادی و بازار سرمایه اسلامی باشد، کمتر مورد توجه بوده است. برخی از آثاری که به نحوی به این موضوع پرداخته‌اند عبارتند از:

صدر (۱۴۰۸ق) در کتابی با عنوان «اقتصادنا»، روش دستیابی به «مذهب اقتصادی» را با روش «اکتشاف» معرفی و توضیح می‌دهد که خداوند با دانش کامل به واقعیت‌ها و هست‌ها و با علم به ارزش‌ها و قاعده‌های اساسی لازم، برای اصلاح امور دنیا و آخرت، قانون‌هایی را وضع کرده است؛ این قانون‌ها از مبانی هستی‌شناسانه و قاعده‌های اساسی منسجم نشأت گرفته است، اما ما به‌طور مستقیم به آنها دسترسی نداریم؛ ولی همین قانون‌ها، تبلور و تجسم همان قواعد و مبانی هستند. بنابراین می‌توان از طریق این قانون‌ها، به آن قاعده‌های اساسی دست یافت، بنابراین تنها روش مطالعه مذهب اقتصاد اسلامی، روش اکتشاف و حرکت از روبنا به زیربنا است.

نمازی (۱۳۷۴) در فصل نهم کتابی با عنوان «نظام‌های اقتصادی»، به بررسی نظام اقتصاد اسلام پرداخته که در آن با توجه به ویژگی‌های خاص این نظام، ابتدا روش بررسی و جایگاه نظام اقتصاد اسلام تعیین و آنگاه نظریه‌های اساسی اقتصاد اسلام مطرح شده است و در نهایت اصول و نظریه‌های این نظام مورد ارزیابی قرار گرفته است.

شوقی الفنجری (۱۴۱۷ق) در کتابی با عنوان «الوجیز فی الاقتصاد الاسلامی» بر این باور است که اقتصاد اسلامی، مذهب و نظام دارد. مذهب اقتصادی اسلام شامل اصول ثابتی است که از قرآن و سنت استفاده می‌شود و نظام اقتصادی اسلام از تطبیق این اصول در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون با اجتهادهای متفاوت پدید می‌آید.

هادوی تهرانی (۱۳۸۳) در کتابی با عنوان «مکتب و نظام اقتصادی اسلام»، به قصد ارائه راهکار برای استخراج دیدگاه اسلام در موضوعاتی چون اقتصاد و به قصد تفکیک عناصر موقعیتی و جهان‌شمول (عناصر هستی و بایدی) اسلام از یکدیگر به طرح مباحثی چون بررسی سطوح و مراتب دین، عناصر ثابت و متغیر دین، تفکیک فلسفه، مکتب و

نظام از یکدیگر براساس عناصر ثابت و متغیر دین و ارتباط این سه محور با یکدیگر می‌پردازد.

قحف (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان «علم اقتصاد اسلامی، تعریف و روش»، نظام اقتصادی اسلام را شامل سه جزء فلسفه اقتصادی، قاعده‌های کلی و قاعده‌های اجرایی دانسته و روش کشف اجزای این نظام را مانند روش کشف قواعد فقهی در علم فقه معرفی نموده است.

میرمعزی (۱۳۹۰) در کتابی با عنوان «نظام اقتصادی اسلام»، مبانی و اهداف نظام اقتصادی اسلام را تبیین و تفاوت‌ها و مزیت‌های آن نسبت به نظام اقتصاد سرمایه‌داری را بیان می‌کند. مؤلف در مقدمه، مفهوم و ویژگی‌ها و جایگاه نظام اقتصادی اسلام را بیان کرده؛ در بخش اول به مبانی فلسفی و در بخش دوم به اهداف نظام اقتصادی اسلام می‌پردازد. در بخش سوم مبانی مکتبی موردبحث قرار داده و در فصل پایانی به مقایسه مبانی و اهداف نظام اقتصادی اسلام و سرمایه‌داری می‌پردازد.

بابایی مجرد و عبدالحسین زاده (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «نظام‌سازی قرآن‌بنیان؛ چیستی، چرایی و چگونگی»، بر این باورند که بر پایه تعریف مختار از نظام‌سازی، اگر این فرایند از یکسو ابتدا بر مبادی مستخرج از معارف قرآنی نداشته باشد و از سوی دیگر مماس با واقعیت‌های اجتماعی نباشد، به جای حل مسائل واقعی، حلال مسائل کاذب، غیراولویت‌دار و تحمیلی از مبادی دیگر معرفی است. آنچه در فرایند نظام‌سازی رخ می‌دهد، کشف مسائل نظامات و حل آنهاست که تحقق این مهم با اتکا به سه‌گانه منابع، مبادی و مسائل میسر است.

موسویان (۱۳۹۲) در کتابی با عنوان «بازار سرمایه اسلامی (۱)»، در بخش نخست به معرفی ضوابط فقهی عمومی و اختصاصی حاکم بر بازار سرمایه اسلامی و اصول و ضوابط خرد و کلان اقتصاد اسلامی پرداخته سپس در بخش دوم، با نقد و بررسی ابزارهای تأمین مالی بازار سرمایه متعارف، به روش امضاء، اوراق قرضه را رد کرده ابزارهای سهام و سهام ممتاز را با اصلاحاتی تأیید می‌کند و در بخش سوم به معرفی ابزارهای مالی اسلامی (صکوک) پرداخته و ۱۴ نوع صکوک را معرفی یا طراحی می‌کند.

معصومی نیا (۱۳۸۹) در کتابی با عنوان «ابزارهای مشتقه (بررسی فقهی و اقتصادی)»، بعد از تبیین مبانی فقهی و اقتصاد اسلامی بازار مشتقات به روش امضاء به بررسی قراردادهای آتی خاص (فوروارد)، آتی استاندارد (فیوچر) و اختیار معامله (آپشن) کرده و با پیشنهاد اصلاحاتی این قراردادهای مدیریت ریسک را می‌پذیرد.

نظری (۱۳۹۲) در کتابی با عنوان «مبانی فقهی - اقتصادی نهادهای مالی بازار سرمایه اسلامی»، ابتدا کلیاتی در مورد نهادهای مالی و نقش آنها در رونق اقتصاد و بازار ارائه کرده و سپس زیرساخت‌های فقهی و حقوقی نهادهای بازار سرمایه، مانند مالکیت حقوقی این نهادها و تحلیل الزامات فقهی آنها را بیان می‌کند. وی در ادامه به تحلیل اقتصادی ارتباط دو بخش حقیقی و اعتباری براساس قواعدی مانند نفی غرر، خیار غبن و ماهیت شرعی بودن نرخ سود پرداخته و به آسیب‌شناسی نظام مالی ایران و نظام جایگزین آن با رویکرد نهادهای مالی پرداخته است.

میرآخور و عصمت‌پاشا (۱۳۹۶) در کتابی با عنوان «بازارهای سرمایه اسلامی؛ رویکرد مقایسه‌ای»، نگاه مقایسه‌ای به بازارهای بین‌المللی و اسلامی دارند. همچنین در معرفی کتاب می‌گویند: وقتی در این کتاب در مورد قراردادهای اسلامی حرف می‌زنیم صحبت از مقدسات نمی‌کنیم. مثلاً قبل از اسلام حضرت محمد(ص) و خدیجه(ع) باهم قرارداد مضاربه‌ای داشتند. مطالب این کتاب زنده است و هرروزه در بازار اتفاق می‌افتد. بسیار اجرایی‌محور است. وی افزود: با یک نگاه تاریخی می‌بینیم که ما یک‌سری ابزار برای بازار در اسلام داشتیم که آنها را به دست فراموشی سپردیم اما دیگران، از جمله در کشوری مثل ایتالیا، روزگاری از مسلمانان مضاربه را آموختند و در رنسانس اقتصادی خود از آن تحت عنوان کامندا استفاده کردند و همین کامندا بعدها به ابزاری تحت عنوان سرمایه خطرپذیر در کسب‌وکارهای نوپا تبدیل شد، که جایی مثل سیسلیکون‌ولی براساس آن شکل گرفت.

مطالعه آثار فوق نشان می‌دهد این آثار عموماً به روش کشف نظام از منابع دینی و به‌عبارت‌دیگر نظام‌سازی دینی اشاره نموده‌اند و فقط چند مورد به‌طور خاص به روش کشف عناصر ثابت و انتخاب عناصر متغیر نظام اقتصادی اسلام به‌ویژه بازار سرمایه اسلامی پرداخته‌اند، نوآوری تحقیق حاضر این است که علاوه بر روش کشف و طراحی،

به تبیین ساختار و عناصر ثابت و متغیر نظام اقتصادی با تأکید بر بازار سرمایه اسلامی می‌پردازد.

۲. تعاریف و مفاهیم مرتبط

۱-۲. تعریف نظام

نظام واژه عربی معادل سیستم غربی است و از ریشه نظم بوده و انضمام و همراه کردن چند چیز به یکدیگر را می‌گویند و مثال مشترکی که کتب لغت آورده‌اند، دانه‌های تسبیح و مانند آنکه به رشته در می‌آیند و با یکدیگر همراه می‌شوند، به اینکار «انتظام» و به خروجی آن «نظام» می‌گویند (فراهیدی، ۱۴۱۵ق، ج ۸، ص. ۱۶۶؛ ابن منظور، ۱۴۰۷ق، ج ۱۲، ص. ۵۷۹؛ طریحی، ۱۳۷۵، ص. ۱۷۶). نظام (سیستم) در اصطلاح مجموعه‌ای از اجزا و روابط میان آن‌هاست که توسط ویژگی‌هایی معین، به هم وابسته یا مرتبط می‌شوند و این اجزا با محیط‌شان یک کل را تشکیل می‌دهند (رضائیان، ۱۳۸۴، ص. ۶۵). متفکران مسلمان نیز تعاریفی نزدیک به همین تعاریف را دارند.

۲-۲. تعریف نظام اقتصادی

در تعریف نظام اقتصادی گرچه اختلاف تعبیر زیاد است ولی در مجموع به یک محتوا توجه دارند.

کوزنتس^۱ نظام اقتصادی را «مجموعه قواعد مؤثر بر واحدهای متعدد موجود در جامعه در جهت همکاری در امر تولید، توزیع و مصرف کل» معرفی می‌کند (لاژوژی، ۱۳۵۵، ص. ۱).

لاژوژی^۲ نظام اقتصادی را «مجموعه‌ای هماهنگ از نهادهای حقوقی و اجتماعی که در بطن آنها، برخی وسایل فنی سازمان‌یافته به پیروی از برخی انگیزه‌های برتر، به‌منظور برقراری تعادل اقتصادی، مورد استفاده قرار گرفته است» می‌داند (سبحانی، ۱۳۷۳، ص. ۴۵).

هالسوسکی^۳ معتقد است چهار دسته اصلی از عناصر هستند که یک نظام اقتصادی را تشکیل می‌دهند که عبارتند از: «منابع»، «شرکت‌کنندگان»، «فرایندها» و «نهادهای»؛ وی سپس هریک از این عناصر را توضیح می‌دهد (نمازی، ۱۳۷۴، ص. ۱۲).

میرمعزی معتقد است «نظام اقتصادی عبارت است از مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری که براساس مبانی اعتقادی و ارزشی مشخص، در راستای اهداف معینی به صورت هماهنگ سامان یافته و شرکت‌کنندگان در نظام را به یکدیگر و به منابع پیوند می‌دهد» (میرمعزی، ۱۳۹۰، صص. ۳۸-۳۹).

تعریف مختار نظام اقتصادی در این تحقیق عبارتند از «نظام اقتصادی مجموعه‌ای هماهنگ از مبانی بینشی و ارزشی، نهادهای حقوقی و اخلاقی، دولت، بازارها، قوانین و مقررات، سازمان‌ها، ابزارهای مالی و الگوهای رفتاری اقتصادی است که به منظور تحقق اهداف اقتصادی معین مورد استفاده قرار می‌گیرند».

۲-۳. تعریف نظام اقتصادی اسلام

قبل از ورود به تعریف نظام اقتصادی اسلام، بیان این نکته ضروری است که اصل وجود نظام اقتصادی اسلام بین متفکران مسلمان محل تردید است، برخی از بزرگان معتقدند آنچه که اسلام در حوزه اقتصاد ارائه کرده تنها احکام و اخلاق اقتصادی است که بایستی در طراحی نظام اقتصادی مورد توجه قرار گیرد، اما خود اسلام چیزی به نام نظام اقتصادی ندارد (الخالدی، ۱۴۰۶ق، ص. ۳۵). در مقابل برخی معتقدند اسلام برای خود نظام اقتصادی خاص دارد، این گروه خود دو دیدگاه دارند: دیدگاه نخست معتقدند نظام اقتصادی اسلام یک نظام کامل، ثابت و صددرصد متفاوت از سایر نظام‌های اقتصادی است که بایستی به روش اجتهاد از متون شریعت کشف شود؛ دیدگاه دوم معتقدند نظام اقتصادی اسلام دارای عناصر ثابتی است که بایستی به روش اجتهاد از متون شریعت کشف شود و این عناصر هویت اسلامی نظام را تشکیل می‌دهند و دارای عناصر متغیری بوده که سیر تکاملی دارند و به روش علوم متعارف، از تجربه و دانش بشری به دست می‌آیند؛ در نتیجه نظام اقتصادی اسلام ماهیت اکتشافی - طراحی دارد و چه بسا در برخی عناصر مشترک و در برخی متفاوت با سایر نظام‌های اقتصادی باشد. نویسندگان مقاله دیدگاه دوم را قبول دارند^۵ و بر این اساس نظام اقتصادی اسلام را چنین تعریف می‌کنند:

«نظام اقتصادی اسلام مجموعه‌ای هماهنگ از مبانی بینشی و ارزشی، سنت‌های الهی، احکام حقوقی و اخلاقی ثابت، و دولت، بازارها، قوانین و

مقررات، سازمان‌ها، ابزارهای مالی و الگوهای رفتاری اقتصادی متغیر است که به منظور تحقق اهداف اقتصادی اسلام (پیشرفت، عدالت و امنیت) مورد استفاده قرار می‌گیرند.

این تعریف نظام اقتصادی اسلام که در ادامه شواهد قرآنی، روایی و تمدنی آن ارائه می‌شود، هماهنگ با دیدگاه بزرگانی چون علامه طباطبائی، شهید مطهری، شهید صدر و آیت‌الله حسینی خامنه‌ای است که نظام‌های اسلامی را نظام‌های متشکل از عناصر ثابت و متغیر می‌دانند. به اعتقاد این متفکران؛ عناصر ثابت هویت اسلامی نظام را تضمین می‌کنند و عناصر متغیر پویایی، تحول و کارآمدی نظام را ترسیم می‌کنند. برای مثال: علامه طباطبائی با تقسیم قوانین به قوانین ثابت و متغیر و تبیین جایگاه «ولایت» در نظام اسلامی، بر این باور است که «والی» در اموری نظیر امور مالی و اقتصادی می‌تواند با مشورت عقلای قوم تصمیم بگیرد و مقرراتی را ایجاد نماید. البته باید قوانینی که عقلای جامعه بر آن توصیه می‌کنند مطابق با اصول ثابت دینی باشد. به اعتقاد ایشان «مقررات ثابت» احکام و قوانینی است که به اقتضای نیازمندی‌های طبیعت ثابت انسان وضع شده است، اسلام این بخش از احکام را که براساس آفرینش انسان و مشخصات ویژه او استوار کرده، به نام دین و شریعت نامیده و آنها را حق لازم‌الاتباع و دین غیرقابل تغییر و تبدیل آسمانی نامیده است. «مقررات متغیر» احکام و مقرراتی است که جنبه موقتی و محلی داشته و با اختلاف طرز زندگی، اختلاف پیدا می‌کنند. این بخش با پیشرفت تدریجی مدنیت و تغییر و تبدیل قیافه اجتماعات و به وجود آمدن و از بین رفتن روش‌های تازه و کهنه، قابل تغییر است و به حسب مصالح مختلف زمان‌ها و مکان‌ها، اختلاف پیدا می‌کند. این مقررات به‌عنوان آثار ولایت عامه، منوط به نظر نبی اسلام (ص) و جانشینان و منصوبین از طرف اوست که در شعاع مقررات ثابته دینی و به حسب مصلحت وقت و مکان، آن را تشخیص داده و اجرا می‌نمایند (طباطبائی، [بی‌تا]، ص. ۶۸؛ طباطبائی، ۱۳۸۸، ص. ۱۲۲).

شهید صدر معتقد است شریعت اسلام مشتمل بر دو بخش است: بخشی که مشتمل بر تشریحات الهی ثابت و «منجز» است و قابل تغییر و تبدیل نیست و بخشی که به «ولی

امر» واگذار شده و از ناحیه خداوند، تشریح ثابتی که قابل تغییر نباشد وجود ندارد و «ولی امر» براساس اهداف کلی اسلام و اقتضائات آنها در این بخش حکم می‌کند. بخش دوم همان منطقه الفراغ است (صدر، ۱۴۰۸ق، ص. ۷۲۱).

شهید مطهری معتقد است هیچ فرهنگی در جهان نداریم که از فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر بهره نگرفته باشد، ولی سخن در کیفیت بهره‌گیری و استفاده است. یک نوع بهره‌گیری آن است که فرهنگ و تمدن دیگر را بدون هیچ تصرفی در قلمرو خودش قرار دهد؛ نوع دیگر این است که از فرهنگ و تمدن دیگر تغذیه کند؛ یعنی مانند یک موجود زنده آنها را در خود جذب و هضم کند و موجودی تازه به وجود آورد. فرهنگ اسلامی از نوع دوم است، مانند یک سلول زنده رشد کرد و فرهنگ‌های دیگر را از یونانی، هندی و ایرانی و... در خود جذب کرد و به صورت موجودی جدید با چهره و سیمایی مخصوص به خود ظهور و بروز کرد و به اعتراف محققان تاریخ فرهنگ و تمدن، تمدن اسلامی در ردیف بزرگ‌ترین فرهنگ‌ها و تمدن‌های بشری است (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۵، ص. ۳۸).

آیت‌الله حسینی خامنه‌ای در مقام معظم رهبری می‌فرمایند: ما در نظام جمهوری اسلامی اهداف و مبانی و ارزش‌هایمان الهی است. در اهداف و مبانی، ملاک ما باید «فاستقم كما امرت» (هود: ۱۱۲) باشد. به هیچ وجه عدول از مبانی و عدول از ارزش‌ها جایز نیست؛ اهداف، اهداف الهی است و هیچ تردید، شک یا ارتدادی از این اهداف جایز نیست؛ اما در روش‌ها بایستی تکامل، اصلاح، تغییر و رفع خطا، جزو کارهای دائمی و برنامه‌های همیشگی ما باشد؛ ببینیم کدام روش ما، ولو به آن عادت کرده باشیم، غلط است، آن را عوض و اصلاح کنیم. استقامت در روش‌ها لازم نیست، استقامت در اهداف لازم است. در کار روش‌ها آزمون و خطا جاری است باید از تجربه‌ها استفاده کنیم که آزمون ما آزمون موافقی باشد (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری؛ ۱۳۸۳/۰۶/۳۱).

۲-۴. مستندات تمدنی دیدگاه مختار در نظام‌سازی و تعریف نظام اقتصادی اسلامی

مطالعه قرآن، سنت و تمدن اسلامی نشان می‌دهد آنچه مورد تأکید قرآن و سنت بوده و آنچه مورد اهتمام متصدیان دین از رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) بوده و در قالب سیره عملی آنان بروز کرده و آنچه مورد انتظار مسلمانان از دین در امور معیشتی و اقتصاد

بوده و در سیره مسلمین بروز کرده؛ این است که باید «عناصر ثابت، مبانی بینشی و ارزشی، سنت‌های الهی، اهداف، احکام و اخلاق» را از شریعت گرفت اما عناصر متغیر، «دولت، بازارها، قوانین و مقررات، قراردادهای، سازمان‌ها و نهادها، ابزارها و الگوهای رفتاری» را به صورت عمومی با رعایت عناصر ثابت، از عقل، دانش و تجربه بشری کسب کرد که فقها از این مقوله به عنوان «روش امضا» یاد می‌کنند.

مطابق روش امضا، عقلاً با استفاده از دانش و تجربه بشری برای دست‌یابی به اهداف، قراردادهای، ابزارها، راهکارهایی طراحی کرده در نظامات اجتماعی‌شان به کار می‌گیرند، متولیان شریعت (پیامبر(ص)، امامان معصوم(ع) و فقها) با تطبیق این ابزارها و راهکارها با عناصر ثابت نظام اسلامی، آنها را تأیید یا رد یا با تغییراتی اصلاح می‌کنند. به همین جهت است وقتی که زمان تشکیل حکومت اسلامی و نظامات اجتماعی در عصر رسول اکرم (ص) را مطالعه می‌کنیم، می‌بینیم پیامبر اکرم(ص) در عین بیان ثباتات شریعت، در حوزه متغیرات از قراردادهای دوران جاهلیت که اکثراً برگرفته از تمدن ایرانی و رومی بود استفاده می‌کنند. قراردادهایی چون مباحه ایرانی و مضاربه رومی جایگزین ربا در تأمین مالی بنگاه‌ها و خانوارها می‌شود یا از نهادهای پولی ایرانی و رومی یعنی درهم و دینار استفاده می‌شود همین‌طور از سازمان‌هایی چون بیت‌المال ایرانی کمک گرفته می‌شود. البته این بدان معنا نیست که شریعت حق ندارد وارد مقوله‌های متغیر گردد، بلکه به این معناست که این مقوله‌ها از سنخ مقوله‌های تجربه بشری است، بنابراین اگر در موارد خاصی شریعت اقدام به معرفی ابزار یا نهادی کند، قطعاً مورد توجه و عمل خواهد بود کمااینکه در بحث «ارث» این موضوع را مشاهده می‌کنیم که قرآن و روایات، نظام ارث ساخته بشری را قبول نکرده و نظام ارثی با بیان ریزه‌کاری‌ها ارائه می‌کنند. حال اگر نظام ارث را با نظام تأمین مالی مقایسه کنیم، می‌بینیم برخلاف نظام ارث، خداوند ربا (رایج‌ترین روش تأمین مالی در صدر اسلام) را ممنوع می‌کند؛ اما اینکه چه روشی جایگزین شود، به علم و دانش بشر واگذار می‌کند، نه قرآن نه سنت اصلاً متکفل بیان این نیستند که به مردم یاد دهند به جای ربا از چه روشی استفاده کنند و مطالعه نزدیک به سه قرن عصر حضور پیامبر اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع) نشان می‌دهد این خود مردم بودند که با استفاده از تجربه شرق و غرب و اعراب جاهلی، راهکارهای جایگزین مانند

مراجعه، مضاربه، مشارکت، وکالت، مزارعه، مساقات و سلف را انتخاب و در مواقع شک به ائمه (ع) رجوع کرده حکم آن را می‌پرسیدند. البته این مطلب معنایش این نیست که در صدر اسلام مسلمانان هیچ ابداعی یا اختراعی در حوزه «بازارها»، «قوانین و مقررات و قراردادهای»، «ابزارها» و «سازمان‌ها و نهادها» نداشتند و یا در عصر حاضر حق ابداع و اختراع ندارند، بلکه مقصود این است که شریعت به‌طور عموم متکفل این امور به‌عنوان تأسیس نیست. بنابراین اگر یک مسلمان یا غیرمسلمان اعم از مسیحی، یهودی حتی بی‌دین، قراردادی طراحی کند یا ابزار معاملاتی بسازد یا نهاد یا سازمانی پیشنهاد کند، نظریه‌پردازان مسلمان با تطبیق بر عناصر ثابت، آن «بازارها»، «قوانین و مقررات و قراردادهای»، «ابزارها»، «سازمان‌ها و نهادها» و «الگوهای رفتاری» را تأیید / اصلاح / رد می‌نمایند. حتی در این فرایند تأیید / اصلاح / رد، ممکن است ابزار طراحی شده از سوی یک مسلمان به دلیل غفلت از یک‌سری عناصر ثابت رد شود، اما ابزار دیگری که یک غیرمسلمان طراحی کرده مورد قبول واقع گردد. البته انتظار می‌رود اگر «دولت، بازارها»، «قوانین و مقررات و قراردادهای»، «ابزارها»، «سازمان‌ها و نهادها» و «الگوهای رفتاری» توسط مسلمانان طراحی شود به خاطر توجه به اصول ثابت، بیشتر مورد تأیید قرار بگیرند.

۳. جایگاه علوم انسانی در طراحی نظام اقتصادی اسلام

یکی از مباحثی که در نظام‌سازی به معنای عام و نظام اقتصادی اسلام مهم است نحوه تعامل با علوم انسانی غربی و دانش و تجربه بشری است. در این زمینه سه دیدگاه بین متفکران مسلمان وجود دارد.

۳-۱. دیدگاه منفعلانه و سکولار

پیروان این دیدگاه رفتاری کاملاً انفعالی در مواجهه با علوم انسانی غربی دارند، این گروه با قیاس علوم انسانی به علوم طبیعی معتقدند علومی چون اقتصاد و سیاست همانند فیزیک، شیمی و ریاضیات بوده، اسلامی، غیراسلامی ندارند و ما بایستی بدون هیچ تغییری یافته‌های دانش بشری را به‌کار گیریم.

۳-۲. دیدگاه افراطی و ستیزه‌جویانه

پیروان این دیدگاه با تمسک به آیاتی چون «و نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (نحل: ۸۹) و روایاتی مانند «تبیاناً لکل شیء» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص. ۲۶۷) معتقدند هر آنچه

انسان در زندگی به آن احتیاج دارد همه در قرآن و سنت آمده و ما هیچ نیازی به علوم انسانی غربی نداریم. برخی حتی معتقدند از آنجا که علوم انسانی غربی براساس مبانی الحادی یا دئیسم طراحی شده‌اند نه تنها قابل استفاده نیستند بلکه گمراه‌کننده انسان بوده و بایستی با آن مقابله کرد.

۳-۳. دیدگاه انتخابگرانه و فعالانه

پیروان این دیدگاه به استناد آیاتی چون «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (زمر: ۱۸) و روایاتی چون «خُذُوا الْحِكْمَةَ وَ لَوْ مِنْ الْمُشْرِكِينَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ص. ۹۷) معتقدند ما بایستی با مطالعه دقیق علوم انسانی غربی و دانش و تجربه بشری در عرصه‌های مختلف و عرضه آنها به اصول و مبانی اسلامی، یافته‌های صحیح و قابل قبول آنها را گزینش و در نظام‌سازی خود استفاده کنیم و یافته‌هایی که با مبانی بینشی و ارزشی، یا احکام و اخلاق یا اهداف اسلامی ناسازگار باشد را اصلاح یا طرد کنیم و این همان رفتار فعالانه با علوم انسانی غربی که می‌تواند زمینه‌ساز رشد و پیشرفت علوم انسانی اسلامی گردد.

افزون بر تعامل انتخاب‌گرانه ما می‌توانیم با مطالعه دقیق عناصر ثابت به‌ویژه اهداف، عناصر متغیر جدیدی را طراحی کنیم و برخورد فعالانه در تکامل علم اقتصاد متعارف داشته باشیم. مانند طراحی بازار ثواب به‌عنوان بازار پنجم در اقتصاد اسلامی که می‌تواند با هم‌فکری اندیشمندان اقتصاد اسلامی و غیراسلامی توسعه‌یافته و سازمان‌ها، نهادها و ابزارهای مناسب خود را داشته باشد. سازمان‌هایی چون کمیته امداد امام خمینی(ره)، سازمان بهزیستی، صندوق‌های قرض‌الحسنه و سازمان اوقاف و امور خیریه و ابزارهایی چون حساب‌های قرض‌الحسنه، اوراق قرض‌الحسنه و اوراق وقف و... می‌توانند عناصر بازار ثواب باشند که بعد از پیروزی انقلاب به تدریج در ایران شکل گرفته‌اند، این تجربه می‌تواند در مرحله نخست به کشورهای اسلامی و در مرحله بعد به همه کشورها توسعه پیدا کند به گونه‌ای که می‌تواند دانش اقتصاد متعارف را نیز تحت تأثیر قرار دهد.

درواقع دیدگاه سوم توسط نویسندگان آنچه از مجموعه آیات و روایات و بررسی دیدگاه فلاسفه و رهبران دینی استفاده می‌شود. برای مثال مقام معظم رهبری در زمینه

استفاده از علوم انسانی غربی و تلفیق بین علوم انسانی غربی و علوم انسانی اسلامی می‌فرمایند:

«ما تلفیق بین علوم انسانی غربی و علوم انسانی اسلامی، اگر به معنای مجذوب شدن، دل‌باخته شدن، مغلوب شدن و جو زده شدن در مقابل آن علوم نباشد، قبول داریم و اشکال ندارد». (بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، ۱۳۸۴/۱۰/۲۹).

ایشان در تطبیقی شفاف در یک نمونه عینی در حوزه بهره‌گیری نظام اقتصادی اسلام از یافته‌های تمدن غربی می‌فرمایند:

«نظام جمهوری اسلامی، نظامی است که اساساً با تأمین اجتماعی به این صورتی که امروز در دنیا رایج است، موافق است. در شمار آن نظام‌هایی نیست که به شکل فلسفی و زیربنایی، با کارهای تأمینی در جامعه مخالف‌اند. ما معتقدیم که مسئولان کشور و دولت جمهوری اسلامی، باید به شکل ویژه‌ای، طبقاتی را که نیازمند کمک هستند، مشمول کمک‌رسانی کنند که این، در سازمان تأمین اجتماعی، به صورت بیمه‌های اجتماعی و کارهای تأمینی گوناگون انجام می‌گیرد. بنابراین، اینکار با اساس و فلسفه نظام اسلامی منطبق است و هرچه تلاش شود، ابتکار عمل به خرج داده شود، پوشش به شکل صحیحی گسترش یابد و نوع کمک‌رسانی‌ها طوری باشد که خانواده‌ها را به تلاش متناسب وادار کند و در جامعه رکود به وجود نیآورد، بلکه حرکت ایجاد نماید، این با اهداف نظام جمهوری اسلامی منطبق‌تر خواهد بود» (بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان نیروی انتظامی، ۱۳۷۶/۰۴/۲۵).

۴. عناصر نظام اقتصادی اسلام

در این قسمت عناصر تشکیل‌دهنده نظام اقتصادی اسلام به صورت خلاصه تعریف و روش کشف (استنباط) یا طراحی (گزینش یا اصلاح) آنها توضیح داده می‌شود.^۷

۴-۱. عناصر ثابت نظام اقتصادی اسلام

۱. مبانی بینشی و ارزشی: مبانی بینشی اصول معرفت‌شناسی، خداشناسی، راهنما (پیامبر و امام)‌شناسی، جهان (دنیا و آخرت)‌شناسی و انسان‌شناسی است که به روش عقلی،

فطری و نقلی به دست می‌آیند و در طراحی نظامات اجتماعی اسلام از جمله نظام اقتصادی نقش مهمی دارند. برای مثال اعتقاد به «خداوندی که همه خزائن در دست اوست و به مقدار لازم در اختیار انسان‌ها قرار می‌دهد»^۸ و اعتقاد به «وجود جهانی ابدی که سعادت در آن جهان در گرو رفتار انسان‌ها در این جهان است»^۹، تأثیر شگرفی در طراحی الگوهای رفتاری می‌گذارد و نظام اقتصادی متفاوت از نظام‌های سرمایه‌داری و سوسیالیستی ارائه می‌کند.

۲. سنت‌های الهی: قوانین لایتغیر حاکم در نظام هستی است که خداوند متعال در سیر تکاملی آفرینش از جمله انسان‌ها تعبیه کرده و تغییر و تحولات در چارچوب آن سنن است، مانند «اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و پرهیزکاری پیشه می‌کردند، برکاتی از آسمان و زمین را بر آنان می‌گشودیم»^{۱۰} یا «یاد کنید هنگامی را که پروردگارتان اعلام داشت. اگر سپاسگزاری کنید نعمت خود را بر شما می‌افزایم و اگر ناسپاسی کنید، عذابم سخت خواهد بود»^{۱۱} قطعاً اعتقاد به این سنن در طراحی نظامات اجتماعی از جمله نظام اقتصادی اسلام تأثیر اساسی خواهد داشت. این سنن به روش اجتهادی از منابع اصلی شریعت یعنی قرآن و سنت استخراج می‌گردند.

۳. اهداف نظام اقتصادی اسلام: غایاتی است که نظام اسلامی و زیر نظام‌های آن به دنبال تحقق آنها می‌باشد. این غایات به سه گروه، هدف غایی، اهداف میانی و اهداف عملیاتی تقسیم می‌شوند. هدف غایی همانا کمال و رستگاری انسان‌ها است که در تعبیر قرآنی از آن به حیات طیبه یاد می‌شود «هر کس از مرد و زن، کار شایسته انجام دهد، درحالی‌که مؤمن باشد، او را به زندگی پاک و شایسته‌ای زنده می‌داریم و پاداششان را بر پایه بهترین عملی که انجام می‌دادند، می‌دهیم»^{۱۲} این هدف، غایت مشترک همه زیرنظام‌های اسلامی است. اهداف میانی اختصاص به هر زیر نظامی دارد، اهداف نظام اقتصادی اسلام؛ «امنیت، عدالت و پیشرفت اقتصادی» است (میرمعزی، ۱۳۹۰، ص. ۱۷۵). امام صادق (ع) در روایتی به این سه هدف اشاره کرده‌اند: «سه چیز است که همه مردم به آنها احتیاج دارند، امنیت، عدالت و آبادانی» (ری شهری، ۱۳۸۴، ج ۴، ص. ۳۳۹۴). اهداف عملیاتی، اهداف بخش‌های مختلف نظام اقتصادی اسلام است برای مثال اهداف بازارهای مالی اسلامی، تحقق اهداف میانی از طریق «تأمین مالی و پوشش ریسک بنگاه‌ها» است.

۴. احکام اقتصادی: قوانین ثابت الهی است که جز در شرایط خاص که آن را هم خود شریعت تعریف می‌کند، تخفیف داده نمی‌شوند و مسلمانان موظف به رعایت آنها هستند احکامی چون «ممنوعیت اکل مال به باطل، لزوم تجارت آزادانه برای نقل و انتقال اموال، ممنوعیت غرر و لزوم شفافیت اطلاعات، ممنوعیت ربا، ممنوعیت ضرر و ضرار، ممنوعیت قمار و دهها حکم دیگر» که لازم است در طراحی قوانین و مقررات، قراردادهای و ابزارها و الگوهای رفتاری، ملاحظه شوند. این احکام به روش اجتهادی از کتاب، سنت، اجماع و عقل استنباط می‌شوند.

۵. اخلاق اقتصادی: صفات و ملکات نفسانی و افعالی است که برای تنظیم روابط انسان‌ها با اموال و با یکدیگر در راستای تحقق کمال انسانی وضع شده است و ضمانت اجرای دولتی ندارد، اعم از اینکه الزام‌آور باشد یا نباشد (میرمعزی، ۱۳۹۰، ص. ۴۴۹)، آموزه‌هایی چون توکل به خداوند، باور به روزی الهی، قناعت، مدارا، مواسات، انصاف و دهها آموزه‌های اخلاق مورد سفارش اسلام که بایستی در طراحی قوانین و مقررات، قراردادهای و ابزارها، به‌ویژه طراحی و شکل‌گیری الگوهای رفتاری، ملاحظه شوند. آموزه‌های اخلاقی اسلام نیز همانند احکام، به روش اجتهادی از کتاب، سنت، اجماع و عقل استنباط می‌شوند.

۲-۴. عناصر متغیر نظام اقتصادی اسلام

۱. دولت و بازارها: امروزه تعریف، جایگاه و اندازه دولت و بازارها محورهای اصلی اقتصادها به‌شمار می‌روند، مجموعه دولت و بازارهای کالاها و خدمات، کار، پول و سرمایه قوام اصلی اقتصادها هستند که در کنار آنها بازارهای فرعی چون بازارهای انرژی، فلزات، صرافی، بدهی، اوراق بهادار، مشتقات، بیمه، لاتاری، شرط‌بندی و... به‌عنوان مراکز مهیا برای عرضه و تقاضای نهاده‌های تولید و محصولات هستند.

مطالعه جایگاه و اندازه دولت و بازارهای اصلی و فرعی و فعالان بازار و اشیاء مورد معامله نشان می‌دهد که برخی از این بازارها مانند بازارهای کالاها و خدمات موردپذیرش اقتصاد اسلامی است و برخی چون بازارهای لاتاری و شرط‌بندی از منظر اسلامی ممنوع است و برخی چون بازارهای پول، بدهی و مشتقات محل تردید است که آیا در اقتصاد

اسلامی جایگاهی دارند؟ و اگر جایگاهی دارند چه ویژگی‌هایی دارند؟ همین‌طور جایگاه و اندازه دولت در کنار این بازارهای اصلی و فرعی، محل سؤال جدی است. کما اینکه با توجه به آموزه‌های ثابت اقتصاد اسلامی می‌توان بازار پنجمی تحت عنوان بازار ثواب یا آخرت یا با عنوانی مشابه برای ذخیره آخرت و کسب ثواب طراحی کرد و برای آن سازمان‌ها و نهادهای مناسب را سازماندهی کرد.

روش تحقیق و به معنای دقیق‌تر روش گزینش یا طراحی بازارها و تبیین ویژگی‌های بازارهای پذیرفته شده، تطبیق بازارهای اصلی و فرعی با عناصر ثابت نظام اقتصادی اسلام است. به همین جهت است که برخی منکر بازارهای پول، بدهی و مشتقات بوده و این بازارها را مصداق ربا و قمار می‌دانند. در مقابل برخی دیگر چنین بازارهایی را می‌پذیرند اما برای آنها در نظام اقتصادی اسلام، اهداف، مأموریت‌ها و ضوابط خاصی را شرط می‌کنند برای مثال معتقدند بازار پول اسلامی بایستی در خدمت بازارهای واقعی (بازارهای کالاها و خدمات، کار و سرمایه و بازار ثواب) باشد. یا بازار بدهی منحصر در بدهی‌های واقعی و برخاسته از معاملات بخش واقعی اقتصاد باشد.

۲. قوانین و مقررات و قراردادهای: هر جامعه متمدن، برای تنظیم روابط اقتصادی دولت با مردم، مردم با مردم، دولت‌ها با همدیگر و روابط مردم و دولت با اموال، قوانین و مقرراتی تنظیم می‌کنند که این قوانین و مقررات افزون بر انضباط اجتماعی حافظ حقوق افراد حقیقی و حقوقی و حافظ عدالت و امنیت است.

مطالعه قوانین و مقررات و قراردادهای کشورهای مختلف نشان می‌دهد که این امور پیوسته در حال تغییر بوده و متناسب با شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و روابط بین‌الملل در حال دگرگونی است. قراردادهای معاملاتی، قوانین صادرات و واردات، مقررات کسب‌وکار، روابط مالک و مستأجر و ده‌ها قوانین و مقررات دیگر مصادیق این عنصر متغیر نظام اقتصادی هستند که گاهی طی ده سال تغییرات اساسی دارند. برای مثال اگر در گذشته برای پوشش ریسک از قراردادهایی چون سلف استفاده می‌شد، امروز به جهت اهمیت ریسک در معاملات و فعالیت‌های اقتصادی، ده‌ها نوع قرارداد چون فوروارد، فیوچر، آپشن، سوآپ و انواع بیمه‌ها طراحی شده است.

در نظام اقتصادی اسلام در مقام گزینش و طراحی قوانین و مقررات و قراردادهای، افزون بر معیار کارآمدی بایستی توجه کافی بر تطابق این قوانین و مقررات و قراردادهای، با عناصر ثابت نظام اقتصادی اسلام به‌ویژه احکام و اخلاق اقتصادی اسلام داشت.

۳. ابزارها: شیوه‌های عملیاتی ساختاریافته‌ای هستند که در چارچوب قراردادهای مالی و با رعایت قوانین و مقررات طراحی می‌شوند. ابزارها بخش متحول اقتصادی هستند که متناسب با شرایط اقتصادی تغییر می‌کنند. ابزارهای ناکارآمد به تدریج کنار گذاشته شده و ابزارهای جدید با کارکردهای متفاوت روی کار می‌آیند، اوراق سهام، سهام ممتاز، اوراق قرضه، اسناد خزانه، اوراق تجاری، قراردادهای آتی، آتی یکسان، سوآپ، انواع سپرده‌ها و تسهیلات بانکی و سایر مؤسسات اعتباری برخی از این ابزارها هستند. در نظام اقتصادی اسلام بایستی این ابزارها در راستای تحقق اهداف نظام اقتصادی باشند و با عناصر ثابت اسلام به‌ویژه احکام و اخلاق اقتصادی اسلام نیز سازگار باشند.

۴. سازمان‌ها و نهادها: مؤسسات اقتصادی هستند که متناسب با شرایط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جوامع شکل می‌گیرند و بعد از مدتی یا به سیر تکاملی خود ادامه می‌دهند یا با رکود و فروپاشی مواجه می‌شوند یا تغییر شکل می‌دهند، صرافی‌ها، بانک‌های تجاری و تخصصی، بانک‌های مرکزی، تعاونی‌های اعتبار، شرکت‌های لیزینگ، سازمان‌های بورس و اوراق بهادار، شرکت‌های بورس و فرابورس، شرکت‌های بیمه، شرکت‌های حمل‌ونقل جاده‌ای، دریایی، هوایی و ریلی، مؤسسات خیریه و ده‌ها موسسه دیگر از مصادیق روشن این سازمان‌ها و نهادها محسوب می‌شوند. پیگیری تاریخی این مؤسسات نشان می‌دهد گاهی مؤسساتی چون بانک‌ها که امروزه یک مجموعه بزرگ و هماهنگ به حساب می‌آیند روزگاری به‌صورت صرافان کوچک و پراکنده کار می‌کردند. به تدریج در سایه ارائه محصولات متنوع و استقبال مردم و حمایت حکومت‌ها تبدیل به سازمان‌های بزرگ اقتصادی شدند درعین حال برخی پیش‌بینی می‌کنند در سایه فن‌آوری‌های جدید در عرصه ارتباطات ممکن است در آینده‌ای نه‌چندان دور، بانک و بانکداری کلاً برچیده شده یا تغییر شکل اساسی دهد.

در نظام اقتصادی اسلام تنها آن گروه از نهادها و سازمان‌ها می‌توانند فعالیت کنند که اولاً در راستای تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام یعنی «امنیت، عدالت و پیشرفت

اقتصادی» کارایی لازم را داشته باشند؛ ثانیاً با عناصر ثابت نظام اقتصادی اسلام به‌ویژه احکام و اخلاق اقتصادی سازگار باشند.

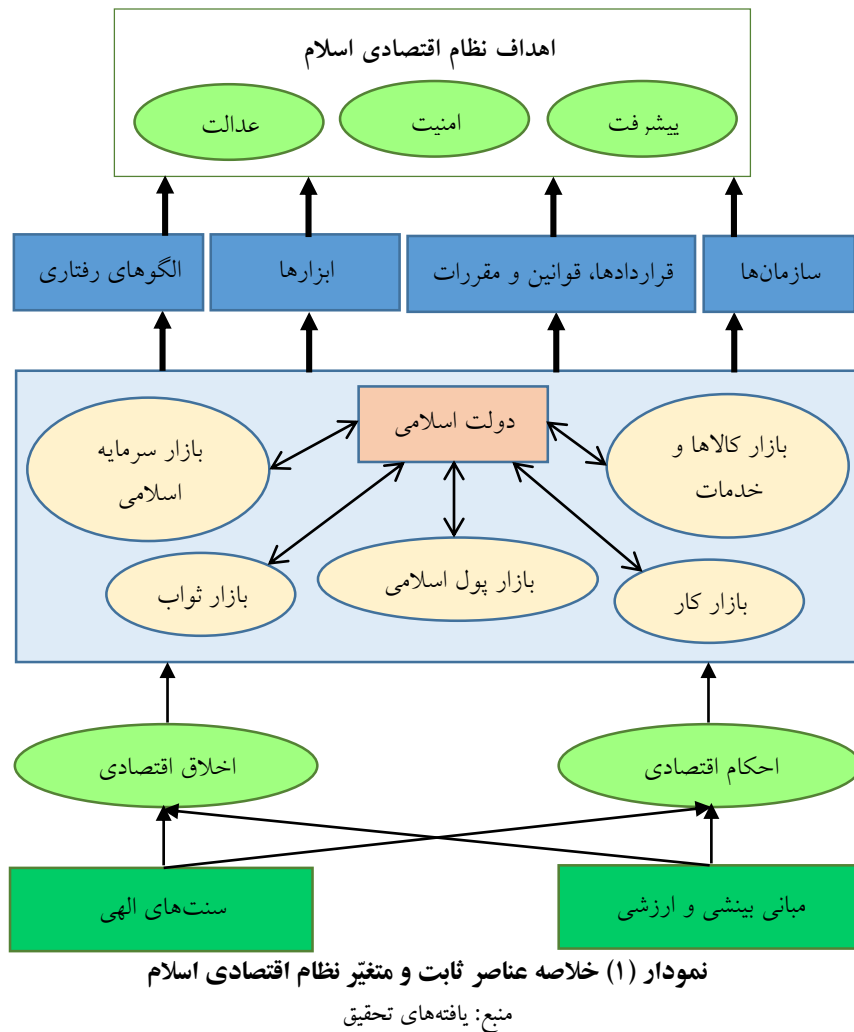
۵. الگوهای رفتاری: رابطه بین افراد و اموال و منابع اقتصادی و دولت را در سطح خرد و کلان بیان می‌کنند. مانند الگوی مصرف، تولید، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، اصطلاح الگو، نمایش ساده چیزهایی است که تصور می‌شود مهم‌ترین عوامل مؤثر در رفتار مورد مطالعه هستند. برای مثال نشان داده می‌شود که الگوی مصرف تابعی از درآمد، درآمد دائمی، درآمد انتظاری، ثروت و نرخ بهره هست (میرمعزی، ۱۳۹۰، ص. ۴۷). در علم اقتصاد نشان داده می‌شود که الگوهای رفتاری ثابت نبوده تحت تأثیر عوامل مختلف تغییر می‌کنند، برای مثال مطالعه رفتار مردم آمریکا، فرانسه، ژاپن و آلمان نشان می‌دهد که مردم آلمان با افزایش نرخ بهره پس‌اندازشان را افزایش داده مصرفشان را کاهش می‌دهند، اما مردم آمریکا و فرانسه عکس رفتار می‌کنند و برای مردم ژاپن تغییرات نرخ بهره تأثیر معناداری روی مصرف و پس‌اندازشان ندارد (طیبیان، ۱۳۸۰).

در نظام اقتصادی اسلام نیز رفتار اقتصادی دولت و مردم تحت تأثیر عوامل مختلف، تغییر می‌کند لذا می‌بینیم گرفتن قرض در شرایطی مکروه و در شرایطی مستحب بلکه واجب شمرده می‌شود یا می‌بینیم وقتی کسی از امام صادق (ع) در مورد لباسش سؤال کرده و ایشان را با حضرت علی (ع) مقایسه می‌کند، حضرت می‌فرماید آن سبک از مصرف مربوط به دوره تنگنای اقتصادی مسلمانان بود الان که دوره گشایش است شرایط فرق کرده است. یا ملاحظه می‌کنیم در شرایط عادی رسول‌الله (ص) از دخالت در بازار و تعیین قیمت امتناع می‌کنند اما در شرایط احتکار، متناسب با رعایت مصالح، الگوی رفتاری دولت تغییر می‌کند و اختیاراتی مانند اجبار محکوم به عرضه کالا بدون قیمت‌گذاری، با قیمت‌گذاری، حتی تصدی‌گری در تولید و فروش برخی کالاها به دولت داده می‌شود.

۵. خلاصه نظام اقتصادی اسلام

نمودار (۱) خلاصه عناصر ثابت و متغیر نظام اقتصادی اسلام را نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود مبانی بینشی و ارزشی و سنت‌های الهی که زیربنای نظام اعتقادی شریعت اسلام و مسلمانان هستند زمینه تشریح احکام و اخلاق اقتصادی در لوح محفوظ است که بایستی همه به روش اجتهادی کشف شوند تا براساس آنها دولت، بازارها،

سازمان‌ها، قراردادها، قوانین و مقررات، ابزارها و الگوهای رفتاری گزینش شوند و همگی در مسیر رسیدن به اهداف نظام اقتصادی اسلام یعنی پیشرفت و عدالت و امنیت اقتصادی به همدیگر کمک کنند.



۶. نکات کلیدی در نظام‌سازی

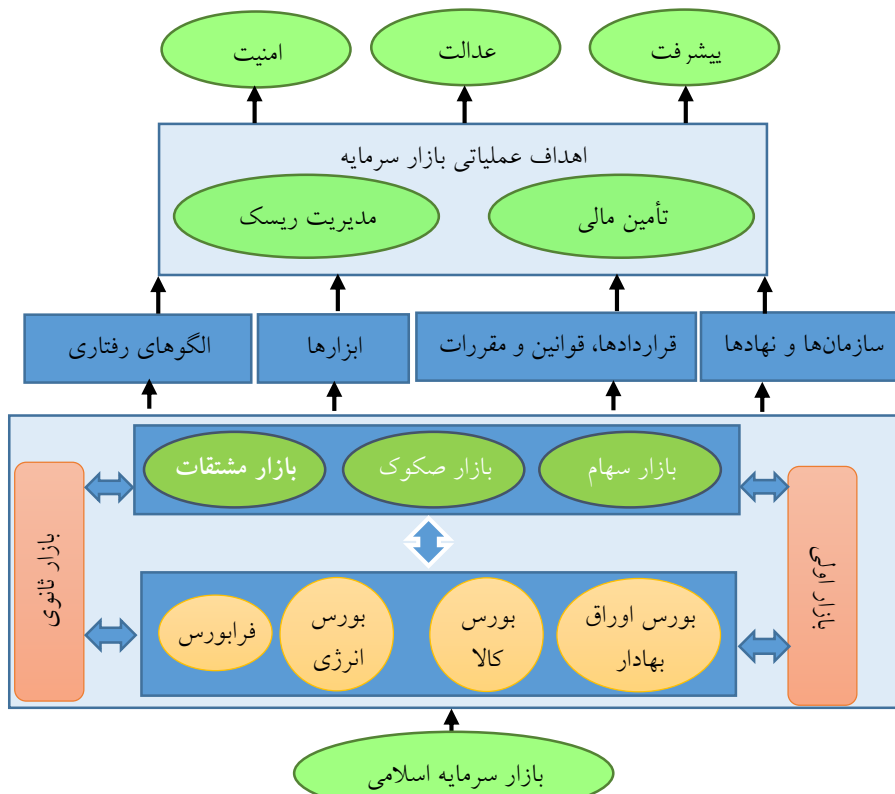
۱. در استنباط عناصر ثابت نظام، بحث «اصالت» خیلی مهم است. به این بیان که در طراحی نظام اقتصادی اسلام هرچه قوت استناد عناصر ثابت به منابع اجتهاد (قرآن و

- سنت و اجماع و عقل) محکم‌تر باشد اطمینان بیشتری به اصالت نظام خواهیم داشت و نظام طراحی شده را با اطمینان بیشتری به اسلام نسبت خواهیم داد.
۲. غالب اصولیین به‌ویژه اصولیین شیعه قائل به طریقت اجتهاد هستند بنابراین ممکن است محصول اجتهاد مجتهدی مطابق با واقع یا خلاف واقع باشد ولی تا زمانی که مستند به روش اجتهادی بوده حجت است و به همین دلیل ممکن است یافته‌های مجتهدین متفاوت باشند، در نتیجه در مقام کشف، چند نظام اقتصادی اسلام داشته باشیم که همه مستند به روش اجتهاد و حجت باشند. البته انتظار می‌رود (به جهت نوع آموزه‌های قرآن و سنت) اختلاف نظام‌های اجتهاد شده عمدتاً در فروع مسائل باشد.
۳. در انتخاب عناصر متغیر نظام، یکی از بحث‌های مهم «تطابق» است یعنی عناصر متغیر، تنها در چارچوب تطابق با عناصر ثابت گزینش می‌شوند و تنها آن گروه از «بازارها»، «قوانین و قراردادها»، «ابزارها»، «سازمان‌ها و نهادها» و «رفتارها» انتخاب می‌شوند که با عناصر ثابت سازگار باشند. برای اثبات سازگاری عناصر متغیر با عناصر ثابت می‌توان از قواعد اصولی و فقهی به‌ویژه قواعد فقهی باب معاملات چون «اوفوا بالعقود»، «تجاره عن تراض»، «الناس مسلطون علی اموالهم»، «المومنون عند شروطهم» کمک گرفت؛ به مقتضای این قواعد، هر بازار، قرارداد، ابزار یا هر نهاد و سازمانی که توسط عقلا طراحی می‌شود مشروع است، مگر اینکه با اصل بینشی یا حکم شرعی یا اصل اخلاقی اسلامی تنافی داشته باشد.
۴. در انتخاب عناصر متغیر نظام، یکی دیگر از بحث‌های مهم «کارایی» است، به این بیان که هرچه عناصر متغیر، در تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام موفق‌تر باشند، مطلوب‌تر خواهند بود. به همین جهت است که می‌گوییم اگر بازارها، قراردادها، نهادها، سازمان‌ها یا ابزارهایی که در قرون اخیر برای تأمین مالی یا پوشش ریسک ابداع شده‌اند (با رعایت ضوابط اسلامی) در تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام کارآمدتر از ابزارهای قرون گذشته حتی عصر شریعت عمل کنند، قطعاً این بازارها و ابزارها در نظام‌سازی ترجیح خواهند داشت.

برای مثال اگر تأمین مالی از طریق شرکت‌های حقوقی و انتشار سهام نسبت به شرکت‌های مدنی سنتی ترجیح داشته باشد قطعاً در طراحی نظام از مشارکت حقوقی و شرکت‌های سهامی و بازار سهام استفاده خواهد شد. یا اگر در پوشش ریسک از طریق قراردادهایی چون آتی و اختیار معامله (با رعایت ضوابط اسلامی) بر قرارداد سلف ترجیح دارد، در طراحی نظام اقتصادی اسلام از این شیوه‌ها و قراردادها استفاده خواهد شد.

۷. ساختار و عناصر متغیر بازار سرمایه اسلامی

با توجه به اینکه بازار سرمایه اسلامی یکی از زیر نظام‌های نظام اقتصادی اسلام است، عناصر ثابت آن همان عناصر نظام اقتصادی است، اما چارچوب و عناصر متغیر آن به صورت خلاصه در نمودار (۲) آمده است.



نمودار (۲) ساختار بازار سرمایه اسلامی

منبع: یافته‌های تحقیق

نهاد ناظر بازار سرمایه، عالی‌ترین رکن بازار سرمایه محسوب می‌شود که در حقیقت نماینده حاکمیت است. در بازار سرمایه ایران سازمان بورس و اوراق بهادار به‌عنوان نهاد ناظر طبق ماده ۲ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مأموریت دارد از حقوق سرمایه‌گذاران حمایت نموده و بازارهای مالی شفاف، منصفانه و کارا را ساماندهی، حفظ و توسعه دهد و بر حسن اجرای قانون نظارت داشته باشد. نتیجه‌ی این اقدامات تسهیل در تشکیل سرمایه و به‌تبع، بهبود متغیرهای کلان اقتصادی خواهد بود.

سازمان بورس و اوراق بهادار باهدف ایجاد بازارهای مالی عادلانه، رقابتی و کارا، انواع بورس‌ها، نهادهای مالی و کانون‌ها را به‌عنوان عناصر کلیدی در بازار سرمایه نظارت می‌کند. بورس به‌عنوان مرکزی برای ارتباط بین دارندگان سرمایه و متقاضیان استفاده از آن است. در بازار سرمایه ایران تاکنون چهار بورس راه‌اندازی شده است که هر یک اهداف، کارکرد و قوانین و مقررات خاص خود را دارد که عبارتند از: بورس اوراق بهادار، بورس کالا، فرابورس و بورس انرژی. با توجه به نیازهای آینده ممکن است بورس‌های دیگری نیز در زمینه برخی کالاهای راهبردی چون ارز، املاک، طلا و... ایجاد شود. در یک تقسیم‌بندی دیگر براساس ابزارهای مالی مورد مبادله، بازار سرمایه اسلامی را می‌توان به سه دسته کلی بازار سهام، بازار صکوک و بازار مشتقات طبقه‌بندی نمود که توضیح آن‌ها در ادامه خواهد آمد و بین بازارهای سه‌گانه و بورس‌های چهارگانه تعامل برقرار است؛ بدین معنا که در بورس‌های مختلف، سهام، صکوک و ابزارهای مشتقه مورد معامله قرار می‌گیرند. بازار سرمایه اسلامی را براساس عرضه ابزارهای مالی، می‌توان به بازار اولی و بازار ثانوی تقسیم نمود. نقش بازار اولی ایجاد بستری برای عرضه‌های اولیه و افزایش سرمایه شرکت‌ها و نقش بازار ثانویه افزایش نقدشوندگی و کمک به کشف قیمت اوراق بهادار است.

جمع‌بندی اینکه در طراحی بازار سرمایه اسلامی ذیل نظام اقتصادی اسلام باید جهت‌دهی انواع بورس‌ها و بازارها در راستای تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام یعنی پیشرفت، عدالت و امنیت بوده و بورس‌ها و بازارها با عناصر ثابت نظام اقتصادی اسلام از جمله احکام و اخلاق اقتصادی سازگاری لازم را داشته باشند.

۸. بورس اوراق بهادار

بورس اوراق بهادار یک بازار متشکل و رسمی، مهم‌ترین متولی جذب و سامان دادن صحیح منابع مالی مازاد است که با جمع‌آوری نقدینگی جامعه و فروش سهام و اوراق بهادار شرکت‌ها، ضمن به حرکت درآوردن چرخ‌های اقتصاد از طریق تأمین سرمایه‌های موردنیاز پروژه‌ها، کاهش دخالت دولت در اقتصاد و افزایش درآمدهای مالیاتی، منافع اقتصادی چشم‌گیری به ارمغان می‌آورد. وظیفه اصلی بورس اوراق بهادار، فراهم آوردن بازاری شفاف و منصفانه برای دادوستد انواع اوراق بهادار پذیرفته‌شده و همچنین سیستمی مناسب برای نظارت بر جریان دادوستد، عملیات بازار و رفتار اعضای آن است. پذیرش و معاملات اوراق بهادار در بورس اوراق بهادار تهران، در سه قالب بازار نقد سهام (بازار اول و دوم) و صندوق‌های قابل معامله در بورس، بازار اوراق مالی (اوراق بدهی، اوراق مشارکت، گواهی سپرده و انواع صکوک) و بازار مشتقه (قرارداد آتی سهام، اوراق تبعی و اختیار معامله سهام) صورت می‌گیرد.

۹. بورس کالا

بورس کالا با ایجاد بازار شفاف جهت تسهیل معاملات و کشف نرخ قیمت کالاهای اساسی و مواد اولیه و واسطه‌ای براساس مکانیسم عرضه و تقاضا، ضمن تضمین تعهدات طرفین معامله، ابزارهای تأمین مالی و مدیریت ریسک را در اختیار فعالان بازار قرار می‌دهد. با تصویب بند (ج) ماده (۹۵) قانون برنامه سوم و بند (الف) قانون برنامه چهارم، شورای عالی بورس موظف به تشکیل و گسترش بورس‌های کالایی در ایران شد. این بورس دارای بازار نقد و بازار مشتقات است. تمامی دادوستدها در بورس کالا در قالب قراردادها و ابزارهای مالی استاندارد شده مانند قرارداد نقد و نسیه، قراردادهای مشتقه چون فیوچر، آپشن، سوپ و اوراق سلف استاندارد، صندوق‌های کالایی قابل معامله و گواهی سپرده کالایی انجام می‌گیرد^{۱۳} که لازم است این معاملات افزون بر تطابق با اهداف نظام اقتصادی اسلام، با احکام و اخلاق اسلامی نیز سازگار باشند.

۱۰. بورس انرژی

بورس انرژی ایران، به‌عنوان یک بورس کالایی، تشکلی خود انتظام در زمینه مبادلات انرژی است که امکان انجام معاملات حامل‌های انرژی شامل نفت، گاز و برق و اوراق بهادار مبتنی بر کالاهای مذکور در آن وجود دارد. در بورس انرژی ایران، تعداد زیادی خریدار و فروشنده حضور داشته که با انجام دادوستد در فضایی رقابتی، دستیابی به قیمت‌های تعادلی حامل‌های انرژی را میسر می‌سازند. فعالیت‌های بورس انرژی به‌منظور مرتفع‌سازی نیازهایی چون خرید و فروش منابع انرژی، تأمین مالی برای تولیدکنندگان و تأمین منابع انرژی برای توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان است. بورس انرژی ایران دارای سه بازار فیزیکی، مشتقه و فرعی است. در بازار فیزیکی، معامله کالاهای پذیرفته‌شده در بورس در سه تابلوی برق، نفت و گاز و تابلوی سایر حامل‌های انرژی در قالب قراردادهای نقدی، نسیه، سلف و کشف پرمیوم^{۱۴} صورت می‌پذیرد. در بازار مشتقه، اوراق بهادار مبتنی بر کالاهای پذیرفته‌شده در بورس در سه تابلوی قرارداد آتی، اختیار معامله و سلف موازی استاندارد مورد معامله قرار می‌گیرند. کالاهای تک محموله‌ای و خارج از گونه نیز در بازار فرعی قابلیت معامله دارند.^{۱۵} معاملات این بورس نیز افزون بر تطابق با اهداف نظام اقتصادی اسلام، بایستی با احکام و اخلاق اسلامی نیز سازگار باشند.

۱۱. فرابورس

فرابورس به‌عنوان یکی از ارکان بازار سرمایه باهدف هدایت نقدینگی حاصل از پس‌انداز به سرمایه‌گذاری مولد، تخصیص بهینه منابع و توزیع متناسب درآمد و ارتقای شفافیت محیط کسب‌وکار فعالیت می‌کند. براساس بند ۸ از ماده یک قانون بازار اوراق بهادار، بازار خارج از بورس، بازاری در قالب شبکه ارتباط الکترونیک یا غیر الکترونیک برای معاملات اوراق بهادار بر پایه مذاکره، معرفی شده است (قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۴/۹/۲). فرابورس ایران متشکل از دو بازار برای اوراق بهادار پذیرش شده و اوراق بهادار پذیرش نشده است. بازار اوراق بهادار پذیرش شده محل دادوستد طیف وسیعی از ابزارهای مالی است و وجه مشترک تمام این اوراق، ثبت آن‌ها نزد نهاد ناظر است. این بازار خود شامل: بازار اول و بازار دوم (معاملات سهام شرکت‌های

سهامی عام)، بازار پایه الف (معامله سهام بورس‌ها و نهادهای مالی دارای مجوز از ناظر بازار سرمایه)، بازار شرکت‌های کوچک و متوسط، بازار ابزارهای نوین مالی (شامل انواع صکوک، اوراق تسهیلات مسکن، اسناد خزانه اسلامی و انواع صندوق‌های سرمایه‌گذاری قابل معامله، صندوق‌های زمین و ساختمان و صندوق‌های جسورانه) و بازار مشتقه است، همچنین بازار اوراق بهادار پذیرش نشده شامل بازار پایه ب و پایه ج^{۱۶} (معاملات سهام شرکت‌های سهامی عام که در بورس یا فرابورس پذیرش نشده‌اند و یا لغو پذیرش شده‌اند) و بازار سوم (شامل ادغام و تملیک، پذیره‌نویسی شرکت‌های در شرف تأسیس و بازار دارایی فکری) است.^{۱۷}

۱۲. سازمان‌ها و نهادها

نهادهای مالی به‌عنوان مکمل بازارها و بورس‌ها در بازار سرمایه عمل کرده و کارکرد این بازارها را تسهیل می‌کنند. رابطه میان نهادهای مالی اسلامی و بازار سرمایه اسلامی یک رابطه دوطرفه است، از یک‌سو نقش بازار سرمایه اسلامی برای عملکرد نهادهای مالی اسلامی در مهیا نمودن نقدشوندگی بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت ضروری به‌نظر می‌رسد و از سوی دیگر نقش نهادهای مالی اسلامی در نوآوری مالی و ایجاد عرضه و تقاضا برای محصولات و خدمات مالی اسلامی انکارناپذیر است (ISRA, 2015, p. 13).

ازجمله نهادهای مالی فعال در بازار سرمایه می‌توان به کارگزاران، سبذگردانان، بازارگردانان، مشاوران سرمایه‌گذاری، مؤسسات رتبه‌بندی، صندوق‌های سرمایه‌گذاری، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، شرکت‌های پردازش اطلاعات مالی و شرکت‌های تأمین سرمایه اشاره نمود.^{۱۸} در بازار سرمایه ایران کانون‌هایی نیز شامل کانون کارگزاران، کانون نهادهای سرمایه‌گذاری ایران و مؤسسه کانون شرکت‌های سرمایه‌گذاری سهام عدالت وجود دارند که تشکل‌های خودانتظامی هستند که به‌منظور تنظیم فعالیت‌های حرفه‌ای خود و انتظام بخشیدن به روابط بین اعضاء، طبق بند ۵ ماده ۱ قانون بازار اوراق بهادار به‌صورت مؤسسه غیردولتی، غیرتجاری و غیرانتفاعی به ثبت رسیده‌اند. همچنین برخی نهادها و شرکت‌های فعال در بازار سرمایه ایران، نقش پشتیبانی از بازار و ارائه‌کننده

زیرساخت‌های فنی را داشته که می‌توان به شرکت سپرده‌گذاری مرکزی و تسویه وجوه، شرکت مدیریت فناوری بورس تهران و شرکت رایان بورس اشاره نمود. مهم‌ترین نقش و وظایف نهادهای مالی بازار سرمایه اسلامی، طراحی و ارائه محصولات و خدمات مالی جدید، ارزش‌گذاری انواع ابزارهای مالی، تعهد پذیره‌نویسی، ارائه خدمات تحلیلی و مشاوره‌ای، واسطه‌گری در خرید و فروش اوراق بهادار، ارزیابی سلامت مالی شرکت‌ها و نهادهای متقاضی انتشار ابزارهای مالی، تنظیم عرضه و تقاضا، افزایش نقدشوندگی بازار و... است؛ بنابراین در طراحی بازار سرمایه اسلامی ذیل نظام اقتصادی اسلام، نهادهای مالی اسلامی جایگاه مهمی داشته و لازم است ساختار و وظایف این نهادها به گونه‌ای باشد که به تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام کمک کرده و با عناصر ثابت از جمله احکام و اخلاق اقتصادی سازگار باشند.

۱۳. ابزارها

ابزارهای متنوعی در بازار سرمایه جهت تأمین مالی و پوشش و انتقال ریسک مورد استفاده قرار می‌گیرند. در یک تقسیم‌بندی کلی ابزارهای مالی را می‌توان به سهام، صکوک و مشتقات طبقه‌بندی نمود.

- **سهام:** طی سالیان گذشته رشد و پیشرفت بازار سهام در بازار سرمایه اسلامی قابل توجه بوده و ابزارهایی مانند سهام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس، گواهی انواع صندوق‌ها (صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک، صندوق‌های قابل معامله در بورس، صندوق‌های کالایی، صندوق‌های جسورانه، صندوق‌های زمین و ساختمان، صندوق‌های پروژه و صندوق‌های نیکوکاری) در این بازار مورد معامله قرار می‌گیرد. همچنین برخی ابزارها و نهادهای مالی جدید هستند که ماهیت سهامی داشته، اما فعلاً در بازار سرمایه ایران استفاده نشده‌اند و چه بسا در آینده نیاز به استفاده از چنین ابزارهایی احساس شود. از جمله این ابزارها می‌توان به سهام ممتاز، گواهی‌های سپرده سهام^{۱۹}، گواهی صندوق‌های املاک و مستغلات^{۲۰} و گواهی صندوق‌های پوشش ریسک^{۲۱} اشاره نمود (ISRA, 2015, p. 14). لازم است کارایی شرکت‌های سهامی و انواع صندوق‌های سرمایه‌گذاری در تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام به دقت

بررسی شده و علاوه بر جنبه‌های فقهی، سازگاری آن‌ها با سایر عناصر ثابت نظام اقتصادی اسلام احراز گردد.

- **صکوک:** یکی از نوآوری‌های دهه اخیر در عرصه بحث‌های پولی و مالی اسلامی، انتشار انواع اوراق بهادار اسلامی به نام صکوک است. این اوراق که به‌طور عمده برای تأمین مالی دولت، سازمان‌های وابسته به دولت و بنگاه‌های اقتصادی منتشر می‌شوند براساس عقود اسلامی طراحی شده‌اند و جایگزین مناسبی برای اوراق بهادار ربوی به‌ویژه اوراق قرضه شمرده می‌شوند. کمیته خدمات مالی اسلامی^{۲۲} در سال ۲۰۰۵ میلادی صکوک را این‌گونه تعریف نموده است: «گواهی‌هایی که نشان‌دهنده مالکیت مشاع دارندگان اوراق در بخش تقسیم نشده دارایی پایه‌ای هستند که تمام حقوق و تعهدات به آن دارایی پایه مرتبط می‌گردد» (IFSB, 2009, p. 3). رشد و توسعه بازار جهانی صکوک نقشی مهم در نوآوری انواع مختلف ساختارهای صکوک از ساختارهای ساده تا ساختارهای پیچیده‌تر داشته است. در یک دسته‌بندی کلی صکوک را می‌توان به دودسته انتفاعی و غیرانتفاعی طبقه‌بندی نمود. انواع صکوک انتفاعی خود شامل صکوک اجاره، مرابحه، سلف، منفعت، خرید دین، رهنی، استصناع (سفارش ساخت)، مشارکت، مضاربه، وکالت، مزارعه و مساقات است. صکوک غیرانتفاعی شامل صکوک وقف و قرض‌الحسنه است (موسویان، ۱۳۹۱، صص. ۴۳۵-۷۱۳). هرچند که صکوک به‌عنوان ابزاری برگرفته از عقود شرعی شناخته می‌شود اما لازم است کارایی انواع صکوک در تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام و سازگاری آن با عناصر ثابت نظام اقتصادی اسلام به‌ویژه اخلاق و احکام اقتصادی موردبررسی دقیق قرار گیرد.

- **مشتقات:** بازار سرمایه اسلامی علاوه بر ابزارهای تأمین مالی، نیازمند ابزارهای پوشش و مدیریت ریسک نیز است تا فعالان بازار بتوانند موقعیت‌های معاملاتی خود را در برابر انواع ریسک‌ها و نوسانات غیرمنتظره پوشش داده و با خیال آسوده‌تر برای آینده برنامه‌ریزی کنند. قانون خدمات مالی اسلامی مالزی در سال ۲۰۱۳ میلادی مشتقات اسلامی را به‌صورت ذیل تعریف کرده است: «هر نوع قراردادی شامل اختیار معامله،

سواپ، قرارداد آتی و پیمان آتی که براساس اصول شریعت طراحی شده و ارزش آنها از ارزش اوراق بهادار اسلامی، کالاها، دارایی‌ها، نرخ‌ها (نرخ سود و نرخ ارز) و شاخص‌های موردپذیرش شریعت مشتق شده باشد و تعهدات پرداخت یا تحویل نیز مبتنی بر آنها باشد. در ایران نیز تاکنون قرارداد آتی و اختیار معامله کالا، سهام و سبد سهام در کمیته فقهی بازار سرمایه ایران از جنبه تطابق با احکام فقهی تأیید و مورد استفاده قرار گرفته‌اند، در طراحی ابزارهای مشتقه در چارچوب نظام اقتصادی اسلام، اولاً لازم است در کنار ابزارهای مشتقه رایج، از ظرفیت‌های عقود اسلامی که قابلیت ابزارسازی برای پوشش ریسک را دارند مانند ضمان، کفالت، سلف، انواع اختیارات و استفاده شود (ISRA, 2015, p. 623) و ثانیاً سازگاری و تطابق این ابزارها با همه عناصر ثابت نظام اقتصادی اسلام موردبررسی قرار گرفته و کارایی این ابزارها در تحقق اهداف نظم اقتصادی اسلام احراز گردد.

۱۴. الگوهای رفتاری

الگوهای رفتاری در بازار سرمایه اسلامی عبارتند از: «الگوی رفتاری دولت در نظارت بر بازار سرمایه»، «الگوی رفتار معامله‌گران بازار سرمایه» و الگوی «رفتاری سرمایه‌گذاری».

- **الگوی رفتاری دولت:** منظور از دولت هم نهادهای حاکمیتی و سیاست‌گذار خارج از بازار سرمایه است و هم سازمان بورس و اوراق بهادار که نقش نظارت بر حسن عملکرد بازار سرمایه اسلامی را بر عهده دارد. در نظام اقتصادی اسلام اصل اولی بر آزادی اقتصادی است (تسخیری، ۱۳۶۹، ص. ۵۵) و در صورتی که عملکرد کلیت بازار سرمایه و ارکان و اجزاء آن هم‌سو با اهداف کلان نظام اقتصادی اسلام و عناصر ثابت نظام اقتصادی اسلام باشد، رفتارهای مداخله جویانه دولت به حداقل خواهد رسید، اما در صورتی که عملکرد بازار دچار اختلال شود، مانند شرایطی که بازار دچار حباب‌های سفته‌بازانه می‌شود، در این شرایط دولت و نهاد ناظر باید سعی کنند از ابزارهای سیاستی و نظارتی خود جهت کاهش ضرر و زیان در بازار سرمایه اسلامی استفاده کنند.

- الگوی رفتاری معامله‌گران بازار: در کنار رفتارهای سالم سرمایه‌گذاری گاهی برخی معامله‌گران از طریق رفتارهای مخربی چون دست‌کاری بازار سبب گمراهی و فریب معامله‌گران بازار می‌شوند یا با استفاده از اطلاعات نهانی، کسب سود کنند و موجب بروز آسیب به بازارهای مالی شوند. حضور گسترده بورس‌بازان ناآگاه، تقلیدی و اخلاص‌نا در بازار اوراق بهادار که معمولاً تصمیمات معاملاتی‌شان مبنی بر خرید یا فروش سهم براساس هیجانان و احساسات است و نه براساس تحلیل واقعیات اقتصادی بازار، می‌تواند سبب بروز زیان‌هایی از جمله انحراف زیاد قیمت‌ها، بروز نوسانات شدید، حباب‌های قیمتی و بحران‌های مالی در بازار بورس و اقتصاد کشور گردد. قطعاً چنین رفتارهایی در تضاد با عناصر ثابت نظام اقتصادی اسلام از جمله احکام و اخلاق و مغایر با برخی اهداف اقتصادی اسلام از جمله عدالت و امنیت است و نهاد ناظر بایستی از این رفتارها جلوگیری کند.
- الگوی رفتار سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه اسلامی: در نظریه‌های اقتصاد سرمایه‌داری مبنای رفتار انسان برای سرمایه‌گذاری، حداکثر نمودن سود، مطلوبیت و رفاه آتی فرد است. این سود و مطلوبیت بر مبنای اصالت ماده، معنای محدود خود را دارد و از توجه به خدا و آخرت اثری دیده نمی‌شود. در مقابل، در نظام اقتصادی اسلام، مبنای رفتار انسان برای سرمایه‌گذاری مبتنی بر وحی و توجه به مبدأ و معاد است و هدفش این است تا با ایجاد ارتباط بین انسان و خالق یکتا از طرفی و بین انسان و معاد از طرف دیگر، آدمی را به نامتناهی وصل کند. بنابراین رهنمودهای اسلام در مورد سرمایه‌گذاری به‌گونه‌ای است که علاوه بر آبادانی دنیا و شکوفایی اقتصادی، هدف بالاتری را که همان رشد و کمال انسان است دنبال می‌کند و نگاه متعالی‌تری نسبت به مفهوم سرمایه‌گذاری دارد و با تغییر افق زمانی و دیدگاه «الدنیا مزرعه الآخرة» بسیاری از واژه‌های اساسی اقتصادی دگرگون شده و مفاهیمی چون مطلوبیت، سود، رفاه و سرمایه‌گذاری که از مفاهیم مبنایی در اقتصاد سرمایه‌داری هستند، دامنه گسترده‌تری را خواهند یافت. بنابراین در نظام اقتصادی اسلام سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه اسلامی باید به‌گونه‌ای صورت پذیرد که علاوه بر آبادانی دنیا به آبادانی آخرت انسان نیز بینجامد و پاداش‌های آخرتی، انگیزه را برای فعالیت‌ها تشدید سازد،

همچنان که عقوبت‌های سنگین آخرتی، فرد را از ارتکاب جرائم مالی و اقتصادی در بازار سرمایه اسلامی بازدارد و رفتارهای سرمایه‌گذاری، سازگار با عناصر ثابت نظام اقتصادی اسلام، به‌گونه‌ای جهت‌دهی و سامان‌دهی شود که اهداف کلان نظام اقتصادی اسلام یعنی عدالت، امنیت و پیشرفت را محقق سازد.

۱۵. قراردادهای، قوانین و مقررات

قوانین و مقررات و قراردادهای به‌کاررفته در بازار سرمایه کشورهای مختلف باگذشت زمان و پیچیدگی نیازها و متناسب با شرایط محیطی بیش‌ازپیش توسعه‌یافته است. هدف قوانین و مقررات بازار سرمایه اسلامی این است که کارایی و عملکرد بازار سرمایه اسلامی را در تحقق اهداف کلان نظام اقتصادی اسلام بهبود بخشیده و سازگاری عناصر متغیر بازار سرمایه اسلامی چون نهادها، ابزارها و الگوهای رفتاری را با عناصر ثابت نظام اقتصادی اسلام تضمین کند؛ در این راستا وجود چارچوب مقرراتی شفاف و تسهیل‌کننده ضرورتی انکارناپذیر است. ازجمله کارکردهای قوانین و مقررات در بازار سرمایه اسلامی می‌توان به حمایت از حقوق فعالان بازار، حفظ و ارتقاء شفافیت اطلاعاتی و معاملاتی و بسترسازی برای ایجاد و توسعه ابزارها، بازارها و نهادهای مالی سازگار با عناصر ثابت نظام اقتصادی اسلام اشاره نمود.

امروزه از قراردادهای متعددی، به‌صورت ساده و ترکیبی، در بازار سرمایه اسلامی استفاده می‌شود. این قراردادها را می‌توان در ۵ گروه زیر طبقه‌بندی نمود (ISRA, 2015, p. 108):

۱. قراردادهای مبتنی بر بیع مانند مرابحه، فروش اقساطی، خرید دین و سلف و استصناع؛
۲. قراردادهای مبتنی بر اجاره مانند لیزینگ عملیاتی، لیزینگ مالی، فروش و اجاره مجدد و اجاره موصوف فی‌الذمه؛
۳. قراردادهای مبتنی بر مشارکت مانند شرکت عقدی، مشارکت کاهنده، مضاربه، مزارعه و مساقات؛
۴. قراردادهای تأمین و ضمانت مانند ضمان، بیمه، کفالت و رهن.

۵. قراردادهای کمکی مانند وکالت و صلح.

آنچه در طراحی بازار سرمایه اسلامی در چهارچوب نظام اقتصادی اسلام حائز اهمیت است، سازگاری این قراردادها علاوه بر احکام فقهی، با سایر عناصر ثابت نظام اقتصادی اسلام از جمله اخلاق اقتصادی و کارایی آنها در تحقق اهداف است.

جمع بندی و نتیجه گیری

در این پژوهش ضمن بیان دیدگاهها و تعاریف مختلف در مورد نظام اقتصادی اسلام، تعریف مختار از نظام اقتصادی اسلام، بدین صورت تشریح شد که «نظام اقتصادی مجموعه‌ای هماهنگ از مبانی بینشی و ارزشی، نهادهای حقوقی و اخلاقی، دولت، بازارها، قوانین و مقررات، سازمانها، ابزارهای مالی و الگوهای رفتاری اقتصادی است که به منظور تحقق اهداف اقتصادی معین مورد استفاده قرار می‌گیرند». در ادامه مستندات تمدنی ناظر به دیدگاه مختار در نظام‌سازی تبیین و سپس عناصر ثابت (شامل مبانی بینشی و ارزشی، سنت‌های الهی، اهداف نظام اقتصادی اسلام، احکام اقتصادی و اخلاق اقتصادی) و عناصر متغیر (شامل دولت و بازارها، قوانین و مقررات و قراردادهای، ابزارها، سازمانها و نهادها و الگوهای رفتاری) تشکیل دهنده نظام اقتصادی اسلام تشریح گردید. همچنین به روش توصیفی-تحلیلی، عناصر ثابت و متغیر بازار سرمایه اسلامی در چهارچوب نظام اقتصادی اسلام معرفی و روش کشف و طراحی آنها تبیین گردید و به صورت مشخص به این سؤالها پاسخ داده شد که: مبانی و اهداف بازار سرمایه اسلامی کدام‌اند و به چه روشی کشف می‌شوند؟ احکام فقهی، حقوقی و اخلاقی بازار سرمایه اسلامی به چه روشی استنباط می‌گردند؟ ابزارهای تأمین مالی، ابزارهای مدیریت ریسک، نهادها و سازمانها و الگوهای رفتاری مشارکت‌کنندگان بازار سرمایه اسلامی به چه روشی طراحی و شکل می‌گیرند؟.

یادداشت‌ها

1. Kuznets
2. Lajugie
3. Holesovsky

۴. لازم به ذکر است تعریف مختار همانند تعاریف دیگر مبتنی بر استدلال‌هایی است که در ظرفیت یک مقاله نمی‌گنجد.
۵. تحلیل هر یک از این دیدگاه‌ها نیاز به کار علمی مفصل دارد که در جای خود بحث شده است، مانند کتاب «نظام اقتصادی اسلام» تألیف سیدحسین میرمعزی و کتاب «نظام اقتصادی اسلام» تألیف سیدعباس موسویان و حسین غفورزاده.
۶. قرآن کریم طی آیات متعدد در سوره‌های مختلف مانند آیه ۱۱ سوره نساء با صراحت تمام، دانش و تجربه بشری را نسبت به نظام ارث، تخطئه کرده خود نظام معینی را به‌عنوان جایگزین معرفی می‌کند.
۷. روشن است که تفصیل هر یک از عناصر ثابت و متغیر نیازمند تحقیق مفصلی است.
۸. «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ» (حجر: ۲۱).
۹. «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (زلزال: ۷-۸).
۱۰. «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ» (اعراف: ۹۶).
۱۱. «وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (ابراهيم: ۷).
۱۲. «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل: ۹۷).
۱۳. برای کسب اطلاعات بیشتر به وبگاه بورس کالا (<https://www.ime.co.ir>) مراجعه شود.
۱۴. در این نوع قرارداد، مابه‌التفاوتی (پرمیوم) نسبت به قیمت مبنا مورد توافق طرفین معامله قرار می‌گیرد و طرفین متعهد می‌شوند که در زمان مشخصی در آینده (تحویل، حمل یا بارگیری) کالا را براساس آن معامله نمایند (کمیته تخصصی فقهی، ۱۳۹۴، جلسه شماره ۱۱۱).
۱۵. برای کسب اطلاعات بیشتر به وبگاه بورس انرژی (<http://www.irenex.ir>) مراجعه شود.
۱۶. طبقه‌بندی شرکت‌ها در تابلوهای «پایه ب» و «پایه ج» براساس میزان شفافیت اطلاعاتی و نقدشوندگی است.
۱۷. برای کسب اطلاعات بیشتر به وبگاه فرابورس (<https://www.ifb.ir>) مراجعه شود.
۱۸. برای کسب اطلاعات بیشتر به وبگاه (<https://www.seo.ir>) مراجعه شود.

16. Depository Receipts

17. Islamic Real Estate Investment Trusts
18. Hedge Funds
19. Islamic Financial Services Board

کتابنامه

- ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب* (چاپ سوم). بیروت: دار صادر.
- الخالدي، محمود (۴۰۶ق). *مفهوم الاقتصاد في الاسلام*. اردن: مكتبة الرسالة الحديثه.
- بابايي مجرد، حسين؛ و عبدالحسين زاده، محمد (۱۳۹۷). *نظام سازی قرآن بنیان؛ چيستی، چرايی و چگونگی. فصلنامه علمی قیسات*، ۲۳(۸۷)، ۱۱۱-۱۳۸.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ق). *المحاسن* (چاپ دوم). قم: دار الکتب الإسلامیة.
- تسخیری، محمدعلی (۱۳۶۹). *آزادی اقتصادی، اصول و حدود آن در اسلام؛ مجموعه مقالات فارسی اولین مجمع بررسی های اقتصاد اسلامی (جلد اول)*. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- رضایی منش، بهروز؛ و بابایی مجرد، حسین (۱۳۹۴). *معناشناسی نظام سازی و روش شناسی کشف نظام از منابع دینی. فصلنامه علمی قیسات*، ۱۹(۷۶)، ۱۵۹-۱۸۶.
- رضائیان، علی (۱۳۸۴). *تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی (سمت)*.
- سبحانی، حسن (۱۳۷۳). *نظام اقتصادی اسلام*. تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- صادقی تهرانی، علی؛ عیوضلو، حسین؛ مصباحی مقدم، غلامرضا؛ موسایی، میثم؛ و نبوی، سیدمرتضی (۱۳۸۶). *جستاری در چيستی و چرايی اقتصاد اسلامی. فصلنامه علمی راهبرد توسعه (راهبرد یاس)*، ۴(۱۲)، ۹-۵۶.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۰۸ق). *اقتصادنا*. قم: المجمع العلمی للشهید الصدر.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ و خسروشاهی، سیدهادی (۱۳۸۸). *شیعه در اسلام*. قم: بوستان کتاب.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (بی تا). *فرازهائی از اسلام (مهدی آیت اللهی؛ تنظیم)*. قم: جهان آرا.
- طریحی، فخرالدین بن محمدعلی (۱۳۷)، *مجمع البحرین*. تهران: مکتبه المرتضویه.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۸ق). *العین*. قم: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

فنجری، محمدشوقی (۱۴۱۷ق). *الرجیز فی الاقتصاد الاسلامی* (چاپ پنجم). ریاض: دارالتقیف للنشر و التألیف.

قحف، منذر (۱۳۸۵). علم اقتصاد اسلامی، تعریف و روش (سیدحسین میرمعزی؛ مترجم)؛ *فصلنامه علمی اقتصاد اسلامی*، ۶(۲۳)، ۱۵۷-۱۸۶.

کمیته فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۶). قرارداد آتی. جلسه ۱۱.

کمیته فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۸). صندوق زمین و ساختمان. جلسه ۳۹.

کمیته فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰). قرارداد سلف موازی استاندارد. جلسات ۵۴-۵۷.

کمیته فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۷). صندوق پروژه. جلسه ۱۷۷.

کمیته فقیه سازمان بورس و اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۸). جلسات ۱۸۷، ۱۸۸ و ۱۸۹.

لاژوژی، ژوزف (۱۳۵۵). *نظام‌های اقتصادی* (شجاع‌الدین ضیائیان؛ مترجم) تهران: دانشگاه تهران. مجلس شورای اسلامی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۹). قانون برنامه سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران.

مجلس شورای اسلامی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳). قانون برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران.

مجلس شورای اسلامی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴). قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار* (چاپ دوم). بیروت: دار إحياء التراث العربی.

محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۴). *میزان الحکمه*. قم: دارالحديث.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). *مجموعه آثار* (چاپ چهارم). تهران: صدرا.

- معصومی نیا، غلامعلی (۱۳۸۹). *ابزارهای مشتقه (بررسی فقهی و اقتصادی)*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- موسویان، سیدعباس (۱۳۹۱). *بازار سرمایه اسلامی*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- میرآخور، عباس؛ و عصمت پاشا، عبیدالله (۱۳۹۴). *بازارهای سرمایه اسلامی، رویکرد مقایسه‌ای*، تهران: مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران.
- میرمعزی، سیدحسین (۱۳۸۵). *نقد و بررسی دیدگاه شهید صدر درباره هویت اقتصاد اسلامی*. فصلنامه علمی اقتصاد اسلامی، ۶(۲۲)، ۱۲۳-۱۴۶.
- میرمعزی، سیدحسین (۱۳۹۰). *نظام اقتصادی اسلام*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- نبوی، سیدعباس (۱۳۷۵). *فقه، زمان و نظام‌سازی*. ماهنامه علمی کیهان اندیشه، ۶(۶۷)، ۳-۲۱.
- نظری، حسن‌آقا (۱۳۹۲). *مبانی فقهی - اقتصادی نهادهای مالی بازار سرمایه اسلامی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- نمازی، حسین (۱۳۷۴). *نظام‌های اقتصادی*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- هادوی تهرانی، مهدی (۱۳۸۳). *مکتب و نظام اقتصادی اسلام*. قم: خانه خرد.
- هیئت‌مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۶). *دستورالعمل اجرایی معاملات قراردادهای آتی در شرکت بورس کالای ایران*.
- هیئت‌مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۲). *دستورالعمل اجرایی معاملات سلف استاندارد در بورس کالای ایران*.
- هیئت‌مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۳). *دستورالعمل اجرایی معاملات قرارداد اختیار معامله در شرکت بورس کالای ایران*.
- هیئت‌مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴). *دستورالعمل پذیرش انبار و صدور، معامله و تسویه گواهی سپرده کالایی*.
- Al-Khalidi, M., (406 AH). *The Concept of Economy in Islam*. Jordan: The Library of Hadith.
- Babaei Mojarad, H; & Abdul Husseinzadeh, M., (1397). *Systematization of the Qur'an; What, why and how*. *Qabsat Scientific Quarterly*, 23 (87), 111-138.
- Barqi, Ahmad ibn Muhammad ibn Khalid (1371 AH). *Almahasen*. (Second Edition). Qom: Dar al-Kitab al-Islamiya.

- Board of Directors of the Stock Exchange and Securities Organization of the Islamic Republic of Iran (2007). Executive instructions for Futures Contracts in Iran Commodity Exchange Company.
- Board of Directors of the Stock Exchange and Securities Organization of the Islamic Republic of Iran (2013). Executive Instructions of Standard Futures Trading in Iran Commodity Exchange.
- Board of Directors of the Stock Exchange and Securities Organization of the Islamic Republic of Iran (2014). Executive Instructions for Trading Options in Iran Commodity Exchange Company.
- Board of Directors of the Stock Exchange and Securities Organization of the Islamic Republic of Iran (2015). Instructions for Accepting Warehouse and Issuing, Trading and Settling Commodity Deposit Certificates.
- Ebnemanzor, M., (1414 A.H). *Arabic Language* (Third Edition). Beirut: Dar Sader.
- Farahidi, K, A., (1408 AH). *Aleyn*. Qom: Scientific Institute for Publications.
- Fangari, M, S., (1417 AH). *Al-Wajiz in Islamic Economy* (Fifth Edition). Riyadh: Dar al-Thaqif for publishing and authorship.
- Ghohaf, M (1385). Islamic Economics, Definition and Method (Seyed Hossein Mir Moazi; Translator); *Scientific Quarterly of Islamic Economics*, 6 (23), 157-186.
- Hadavi Tehrani, M., (1383). *Islamic School and Economic System*. Qom: House of Wisdom.
- IFSB (2009). *Capital Adequacy Requirements for Sukûk, Securitisations and Real Estate Investment*, Kuala Lumpur: The Islamic Financial Services Board.
- ISRA (2015). *Islamic Capital Market: Principles and Practices*, Kuala Lumpur: The International Shari'ah Research Academy for Islamic Finance.
- Islamic Consultative Assembly of the Islamic Republic of Iran (1379). *Law of the Third Development Plan of the Islamic Republic of Iran*.
- Islamic Consultative Assembly of the Islamic Republic of Iran (1383). *Law of the Fourth Development Plan of the Islamic Republic of Iran*.
- Islamic Consultative Assembly of the Islamic Republic of Iran (1384). *Securities Market Law of the Islamic Republic of Iran*.
- Jurisprudential Committee of the Stock Exchange and Securities Organization of the Islamic Republic of Iran (1397). *Project Fund*. Session 177.
- Jurisprudential Committee of the Stock Exchange and Securities Organization of the Islamic Republic of Iran (1398). *Sessions 187, 188 and 189*.
- Jurisprudential Committee of the Stock Exchange and Securities Organization of the Islamic Republic of Iran (2007). *Future Contract*. Session 11.
- Jurisprudential Committee of the Stock Exchange and Securities Organization of the Islamic Republic of Iran (2009). *Land and Building fund*. Session 39.

- Jurisprudential Committee of the Stock Exchange and Securities Organization of the Islamic Republic of Iran (2011). Standard Parallel Futures Contract. Sessions 54-57.
- Lajoji, Joseph (1355). *Economic Systems* (Shojauddin Ziaieian; Translator) Tehran: University of Tehran.
- Majlisi, M. B., (1403 AH). *Sea of Lights* (Second Edition). Beirut: Dar Al-Ihya Al-Tarath Al-Arabi.
- Masoumiya, G. A., (1389). *Derivatives* (Jurisprudential and Economic Study). Tehran: Institute of Islamic Culture and Thought.
- Mirakhor, A; & Esmat Pasha, O., (1394). *Islamic Capital Markets, A Comparative Approach*, Tehran: Iran Higher Institute of Banking Education.
- Mir Moazi, S, H., (1385). Critique of Shahid Sadr's view on the Identity of Islamic Economics. *Scientific Quarterly of Islamic Economics*, 6 (22), 123-146.
- Mir Moazi, S, H., (1390). *Islamic Economic System*. Tehran: Institute of Islamic Culture and Thought.
- Mohammadi Rishahri, M., (1384). *The Amount of Wisdom*. Qom: Dar al-Hadith.
- Motahari, M., (1377). *Collection of works* (Fourth Edition). Tehran: Sadra.
- Mousavian, S, A., (1391). *Islamic Capital Market*. Tehran: Institute of Islamic Culture and Thought.
- Nabavi, S, A., (1375). *Jurisprudence, time and Systematization*. Kayhan Andisheh Scientific Monthly, 6 (67), 3-21.
- Namazi, H., (1374). *Economic Systems*. Tehran: Shahid Beheshti University.
- Nazari, H, A, (1392). *Jurisprudential-Economic Principles of Financial Institutions of Islamic Capital Market*. Qom: Research Institute and University.
- Rezaei Manesh, B; & Babaei Mojarad, H., (1394). The Semantics of Systematization and the Methodology of Discovering the System from Religious Sources. *Qabsat Scientific Quarterly*, 19 (76). 159-186.
- Rezaian, A., (1384). *System Analysis and Design*. Tehran: Organization for the Study and Compilation of University Books in Islamic and Humanities (Position).
- Subhani, Hassan (1373). *Islamic Economic System*. Tehran: Islamic Propaganda Organization Publishing Center.
- Sadeghi Tehrani, A; Ayuzlu, H; Mesbahi Moghadam, Gholam Reza; Musaei, M; & Nabavi, S, M., (1386). An Inquiry into what and why Islamic Economics. *Scientific Quarterly of Development Strategy* (Despair Strategy), 4 (12). 9-56.
- Sadr, S, M, B., (1408 AH). *Economy*. Qom: The Scientific Assembly for the Martyr Sadr.
- Taskhiri, M, A., (1369). *Economic freedom, its Principles and Limits in Islam; Collection of Persian articles of the first forum of Islamic Economics Studies* (first volume). Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation.

Tabatabai, S, M, H; & Khosroshahi, S, H., (1388). *Shiite in Islam*. Qom: Book Garden.

Tabatabai, S, M, H., (Bi ta). *Phrase of Islam* (Mahdi Ayatollah; Arrangement). Qom: Jahanara.

Tarihi, F, M, A., (137), *Bahrain Assembly*. Tehran: Mortazavieh School.